



تحلیل کیفی چالش‌های فکری زنان در مواجهه با انواع تهدیدات شناختی

فریده حمیدی^۱

چکیده

تهدیدهای شناختی به هر عاملی گفته می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، توانایی فرد را در پردازش اطلاعات یا اتخاذ تصمیمات منطقی مختل کند. این عوامل می‌توانند شامل اطلاعات گمراه‌کننده، پیام‌های متناقض، یا فشارهای اجتماعی باشند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های فکری زنان در مواجهه با انواع تهدیدات شناختی انجام شده است. این تحقیق، یک پژوهش کیفی است که از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۳۰ نفر از زنان (۸ خبره و ۲۲ نفر دانشجو) انتخاب شدند و تحت مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق قرار گرفتند. تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از مشارکت‌کنندگان با استفاده از روش کدگذاری و در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار کیفی مکس کیودا مورد تحلیل قرار گرفت. با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختار، در مجموع در مرحله کدگذاری باز، یک فرآیند پنج مرحله‌ای به شناسایی کدهای اولیه، کدهای ثانویه، مفاهیم، مقولات فرعی در مورد سوالات پژوهش شناسایی شدند که به پیدا شدن مقولات کلان یا طبقات انجامید و در پایان در سه دسته مقولات کلی باورهای شناختی فردی، باورهای شناختی جمعی، و باورهای شناختی بین‌نسلی طبقه‌بندی و نامگذاری شدند. درک دقیق چالش‌های شناختی زنان و دختران در کشور از سوی حاکمیت اهمیت خاصی دارد. این نسل در دنیای دیجیتال و سریع رشد کرده و انتظارات متفاوتی از سیاست‌ها و نحوه مدیریت جامعه دارند. شناخت الگوهای رفتاری، انتظارات از آزادی‌های فردی، تمایل به شفافیت و مشارکت اجتماعی می‌تواند به حاکمیت کمک کند تا ارتباط موثرتری با این نسل برقرار کند.

واژگان کلیدی: تهدیدات شناختی، چالش‌های شناختی فردی، چالش‌های شناختی اجتماعی،

چالش‌های شناختی میان‌نسلی، زنان

۱. استاد روانشناسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران،

Qualitative Analysis of Women's Mental Challenges in Confronting Different Kinds of Cognitive Threats

Farideh Hamidy¹

Abstract

Cognitive threats are said about any factor which directly or indirectly disrupts a person's ability to process information or make logical decisions. These factors can include disinformation, contradicting messages or social pressures. The present research was conducted to identify women's mental challenges in confronting different kinds of cognitive threats. This article is qualitative research which is of applied type in terms of objective. 30 women (8 experts and 22 students) were selected using sampling method and they were all interviewed in a deeply structured manner.

Analysis of the information obtained from participants was conducted using coding method and in three formats of open, axial and selective type. The data were analyzed using the Maxqda quality software. By analyzing the data obtained from the semi-structured interviews and totally in the open coding phase, a process of five phases in identifying primary codes, secondary codes, minor matters were identified about the research questions which ended up in macro-matter or classes. And in the end, they were categorized and dubbed into three groups of general matters of individual cognitive beliefs, collective cognitive beliefs and inter-generation cognitive beliefs. Precise understanding of women and girl's cognitive challenges in our country by the government is of particular importance. This generation in the digital world has grown fast and has different expectations of the policies and management method of the society. Recognition of behavioral patterns, expectations of individuals' freedom, tendency for transparency and social participation can help the government to establish more effective communications with this generation.

Key words: cognitive threats, individual cognitive challenges, social cognitive challenges, inter-generation cognitive challenges, women

1. Associate Professor in Psychology, Educational Sciences Department, Faculty of Humanities, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. fhamidi@sru.ac.ir





امروزه حضور زنان در محیط‌های اجتماعی و شغلی امری اجتناب ناپذیر است، از دیگر سو زنان نقش‌های متعددی در زندگی بر عهده دارند. گاهی انجام وظایف زنان در خانواده در کنار فعالیت خارج از خانه، زنان شاغل را در معرض تعارض جدی قرار داده و آنها را مستعد ایجاد تنش و آسیب جسمی و روحی می‌نماید از آن جایی که مهم‌ترین مسئله برای زنان و دختران احساس امنیت و آرامش روانی نسبت به حال و آینده است، بزرگ‌ترین تهدید نیز همین احساس عدم امنیت است؛ امنیت شغلی، تحصیلی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. تهدید مفهومی انتزاعی است که در هم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد. هر جا که موضوع امنیت مورد مذاقه قرار گیرد، حتماً از تهدید سخن به میان می‌آید. در عین حال نمی‌توان از تهدید سخن گفت ولی امنیت و تأثیر آن را نادیده گرفت. ارائه یک تعریف دقیق از تهدید به دلیل چندوجهی بودن و ارتباط با امنیت، منافع، اهداف و راهبردها، پیچیده و مشکل است. مفهوم تهدید در نگرش سامانه‌ای، عدم تعادل در سیستم است. یعنی عاملی که اجازه نمی‌دهد سیستم به اهداف خویش برسد. در عین تهدید به معنای توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی خودی به مقاصد تعیین شده نیز تعریف شده است.

تهدیدهای شناختی^۱ را می‌توان به‌عنوان هر نوع اطلاعات کتبی و یا شفاهی در فضای سایبری و فیزیکی توصیف کرد که به‌طور هدفمند به گیرنده یا گیرندگان منتقل می‌شود و قصد دارد واکنش خاصی را برانگیزد که به آنها آسیب برساند. یک بخش دیگر این واکنش ذاتاً با فرآیندهای شناختی مرتبط است، احساسات و عادات می‌تواند به صورت یک عمل کلامی یا فیزیکی یا هر دو بیان شود (پیتمن^۲، ۲۰۱۹). در عین حال، واکنش می‌تواند پرهیز عمدی از اعمال کلامی یا فیزیکی باشد، به عنوان مثال، به‌عنوان یک اقدام اعتراضی. گیرنده اطلاعات می‌تواند فوراً واکنش خاصی را در نتیجه اطلاعات منتقل شده بیان کند، یا می‌تواند با چند ثانیه، دقیقه، ماه یا حتی سال‌ها زمانی که اطلاعات به‌عنوان محرکی برای یادآوری رویدادها و تداعی‌های گذشته عمل می‌کند، به تأخیر بیفتد. گیرنده اطلاعات در موقعیت قربانی و مجرم برای آسیب رساندن به دیگران است. آنها در درجه اول قربانی هستند زیرا قضاوت آنها دستکاری شده است. از طریق تغییر نوع خاصی از اطلاعات دستکاری می‌شود که نویسنده پیام مشکوک است یا می‌داند، و قصد دارد زنجیره‌ای از

1. cognitive threats

2. Pitman



فرآیندهای شناختی را فعال کند که گیرنده را وادار به انجام کاری کند که به نفع نویسنده باشد. دوم، دریافت کننده اطلاعات همچنین به عنوان یک عامل ناخودآگاه آسیب به اشخاص ثالث که می تواند فرد دیگری، یک موسسه، یک سازمان، یک دولت یا گروهی از دولت ها باشد، عمل می کند. این آسیب می تواند ماهیت فیزیکی، عاطفی، مالی یا سیاسی داشته باشد.

جنگ روانی و تهدیدات شناختی در حال حاضر یکی از بزرگترین خطرات برای ثبات سیستم های دموکراتیک است و همچنین برای سوء استفاده از آسیب پذیری روانی افراد مورد استفاده قرار می گیرد. همراه با استفاده از اطلاعات نادرست از فناوری ها، سوگیری های شناختی افراد در یک جمعیت مستعد استثمار و تحریف توسط یک بازیگر خارجی به منظور تغییر رفتار، باورها و تصمیم گیری برای دستیابی به اهداف راهبردی خود هستند. با نقش فزاینده فناوری، توانایی های شناختی فرد، دیگر برای اطمینان از تصمیم گیری آگاهانه و به موقع کافی نخواهد بود و از تکنیک های اطلاعات نادرست و تبلیغاتی با هدف فرسودگی شناختی گیرنده های اطلاعات استفاده می شود. شناخت پیامدهای این تحولات راهبردی، از یک سو مستلزم شناخت سطوح مختلف این آثار و از سوی دیگر آگاهی یافتن از سازوکارهای چگونگی شکل گیری فرصت ها و تهدیداتی است که در نهایت جامعه را با نوعی چالش روبه رو می سازد.

مروری بر رویکردهای مختلف به بحث توانمندی زنان نشان می دهد که مفاهیمی چون حق انتخاب، کنترل برخورداری از دسترسی به منابع، احساس استقلال، اعتماد به نفس بیشتر، قدرت تصمیم گیری و... در بسیاری از منابع مورد توجه قرار گرفته است (علی نژاد و همکاران، ۱۴۰۱؛ عبداللهیان و هومن، ۱۳۹۹). در واقع، در این نظریه ها به اهمیت افزایش قدرت برای زنان تاکید می شود و سعی می کند که قدرت را کمتر به صورت برتری فردی بر فرد دیگر و بیشتر از نظر توان زنان در جهت افزایش قابلیت های شناختی شناسایی کند. توانمندی های شناختی زنان و تجهیز آنان به ویژگی های مطلوب و سازنده به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، از جهات گوناگون به ارتقاء امنیت اجتماعی، فرهنگی و روانی آحاد جامعه کمک شایانی می کند و در مقابل موقعیت های چالش برانگیز و تهدید کننده داخلی و خارجی بازدارندگی موثری ایجاد می نماید. چراکه زنان به واسطه ایفای نقش های چندگانه، واجد حضور معنی دار در جامعه هستند (قره حسنلو و میر حسینی، ۱۴۰۰). زنان هم در ساحت مادری و در حریم خانه و هم در ساحت ایفای نقش های اجتماعی، در مقام تربیت گری نقش ایفا می کنند و این گونه می توانند با تکیه بر توسعه توانمندی های شناختی از تهدیدات بالقوه، فرصت های بالفعل بسازند. در شرایط امروز شکاف در نسل ها به خصوص در



نسل‌های اخیر، به نحوی است که اگر تفکیکی برای نسل‌های مختلف بشر در طول زمان قائل شویم و بخواهیم ویژگی‌های آنها را با هم مقایسه کنیم در مواردی با تعجب فراوان خواهیم دید که تفاوت بین این نسل‌ها فقط در پیشرفت‌ها و یا تغییرات مستمر و به هم پیوسته در طول زمان نبوده و شکاف بین نسل‌ها شکافی بسیار عمیق و در حد تغییر در ارزش‌ها و باورها و اعتقادات و تفکرات، آن‌هم به صورتی بنیادی است که می‌تواند تهدیدات شناختی را افزایش دهد. از این رو پژوهش حاضر بدنبال شناسایی انواع چالش‌های فکری زنان بویژه در نسل جوان و نحوه مواجهه آنان با انواع تهدیدات شناختی است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مبانی نظری پژوهش

تهدیدهای شناختی به طور کلی به اقداماتی اطلاق می‌شوند که هدف آنها ایجاد اختلال در فرآیندهای شناختی انسان‌ها، از جمله درک، تصمیم‌گیری، حافظه، یا قضاوت است. این تهدیدها می‌توانند از ابزارها، تکنیک‌ها و فناوری‌های مختلفی برای تأثیرگذاری بر افکار، باورها یا رفتار افراد و جوامع استفاده کنند. تعاریف مختلف این مفهوم در منابع گوناگون ارائه شده است که شامل موارد زیر می‌شود:

- در حوزه روانشناسی تهدیدهای شناختی به هر عاملی گفته می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، توانایی فرد را در پردازش اطلاعات یا اتخاذ تصمیمات منطقی مختل کند. این عوامل می‌توانند شامل اطلاعات گمراه‌کننده، پیام‌های متناقض، یا فشارهای اجتماعی باشند (کانمن^۱، ۲۰۱۱؛ تی‌ورسکی و کانمن، ۱۹۷۴).
- در حوزه امنیت سایبری، تهدیدهای شناختی به استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای انتشار اطلاعات نادرست، دستکاری داده‌ها یا بهره‌برداری از سوگیری‌های شناختی انسان‌ها با هدف تأثیرگذاری بر باورها و رفتارها اشاره دارد. به عنوان مثال، کمپین‌های اطلاعات گمراه‌کننده یا مهندسی اجتماعی (بوچانان^۲، ۲۰۲۰؛ سینگر و بروکینگ^۳، ۲۰۱۸).
- در تعریف نظامی و راهبردی، تهدیدهای شناختی به اقدامات هدفمند دولت‌ها یا گروه‌ها

1. Kahneman
2. Buchanan
3. Singer & Brooking



برای تضعیف اراده و توانایی تصمیم‌گیری دشمن از طریق اختلال در اطلاعات، القای شک و بی‌اعتمادی یا ایجاد تضادهای فکری اشاره دارد (آرکویلا و رونفلد^۱، ۱۹۹۶).

• در چارچوب اجتماعی و فرهنگی، تهدیدهای شناختی شامل تلاش‌هایی است که ارزش‌ها، هنجارها، و فرهنگ یک جامعه را هدف قرار می‌دهند و از طریق رسانه‌های اجتماعی، تبلیغات یا سایر ابزارهای نفوذ بر ادراک عمومی اثر می‌گذارند (زوبوف^۲، ۲۰۱۹).

• از منظر فناوری، تهدیدهای شناختی می‌توانند شامل استفاده از هوش مصنوعی، الگوریتم‌های یادگیری ماشین، و تحلیل داده‌ها برای پیش‌بینی یا تغییر رفتار انسان‌ها باشند، به‌ویژه در زمینه تبلیغات هدفمند یا بهره‌برداری از نقاط ضعف شناختی (اونیل^۳، ۲۰۱۶؛ هلبینگ^۴، ۲۰۱۹).

این تعاریف بسته به زمینه تحقیقاتی یا کاربرد موردنظر ممکن است تغییر کند یا بسط یابد. نکات مشترک در تعاریف عبارتند از: تأثیرگذاری بر ادراک، تصمیم‌گیری، یا رفتار انسان، استفاده از تکنیک‌های روان‌شناختی، فناوری یا اطلاعات نادرست و هدفمند بودن این اقدامات، معمولاً برای ایجاد اختلال یا بهره‌برداری.

همچنین عبارت «تهدیدهای شناختی» به تهدیدهایی اشاره دارد که مرتبط با قدرت شناختی افراد و سازمان‌ها هستند. این تهدیدها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر روی اطلاعات و فرآیندهای شناختی افراد تأثیر می‌گذارند. در زیر برخی از انواع تهدیدهای شناختی را بررسی خواهیم کرد (میتنیک^۵، ۲۰۰۳):

۱. حملات فریب^۶: این حملات شامل تلاش‌هایی هستند که با استفاده از تزویر و تصدیق‌های جعلی به افراد یا سیستم‌ها تأثیر می‌گذارند.

۲. تهدیدهای اجتماعی^۷: تهدیدهایی که بر ارتباطات اجتماعی افراد اثر می‌گذارند، از جمله حملات مهندسی اجتماعی و تلاش‌های تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و عقاید افراد است.

1. Arquilla, J., & Ronfeldt

2. Zuboff

3. O'Neil

4. Helbing

5. Mitnick

6. Deception Attacks

7. Social Threats



۳. تهدیدهای روان‌شناختی^۱: به تهدیدهایی اطلاق می‌شود که به عواطف و روان افراد تأثیر می‌گذارند.

۴. تهدیدهای تحریف شده^۲: حملاتی که به وسیله تحریف یا دستکاری اطلاعات یا ارتباطات انجام می‌شوند تا به نتیجه‌های نادرست یا مضری منجر شوند، اطلاق می‌شود.

۵. تهدیدهای هویتی^۳: به حملاتی اطلاق می‌شود که بر هویت فرد یا سازمان‌ها تأثیر می‌گذارند، از جمله سرقت هویت و حمله‌های کلاهبرداری.

درخشان و وردل^۴ (۲۰۱۷) در پژوهشی ارتباط جنسیت و تحلیل‌های متقاطع را برای درک بهتر تهدیدات، به ویژه تهدیداتی که به طور فزاینده‌ای محیط‌های غیرنظامی را هدف قرار می‌دهند، بررسی نموده‌اند. این پژوهشگران ابتدا مفاهیم مرتبط از جمله تهدیدات ترکیبی و جنگ، تاب‌آوری، اطلاعات نادرست، عاملیت غیرنظامی و تقاطع را به عنوان یک روش ارائه می‌کنند. پس از آن، آنها در مورد چگونگی استفاده از اطلاعات نادرست برای بی‌ثبات کردن جوامع با حمله مستقیم به فضاهای غیرنظامی و تلاش برای دامن زدن به قطبی شدن و ناآرامی را مطرح کرده‌اند. سپس نویسندگان در مورد چگونگی روشن شدن مفاهیم اطلاعات نادرست و عاملیت غیرنظامی از طریق تحلیل‌های جنسیتی و متقاطع بحث می‌کنند و با بررسی اینکه چگونه جنسیت (و نژاد) برای تحریک بی‌ثباتی به کار گرفته شده، با زمینه‌های پیچیده و غیرنظامی عمل می‌کنند. اطلاعات نادرست مورد توجه رشته‌های مختلف (رسانه‌ها و ارتباطات، علوم سیاسی، روان‌شناسی، مطالعات علم و فناوری و غیره) قرار گرفته است. برخی از محققان بر روی انگیزه‌ها و مقاصد پشت مکانیسم‌ها یا ابزارهای مورد استفاده برای انتشار اطلاعات کار می‌کنند. با این حال، هنوز اطلاعات کمی در مورد نقش اهداف اطلاعات نادرست غیرنظامیان و واکنش آنها به اطلاعات نادرست و اثرات آن بر پویایی‌های امنیتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد. توسعه و پیشرفت در این زمینه‌ها نقش مهمی در افزایش امنیت سایبری ایفا می‌کند، زیرا تهدیدهای شناختی با گسترش فناوری و استفاده از اینترنت به شدت در حال افزایش هستند. سوگیری‌های و یا تحریف‌های شناختی افراد می‌تواند اثربخشی این گونه تهدیدات را افزایش دهد.

1. Psychological Threats

2. Manipulated Threats

3. Identity Threats

4. Derakhshan, H., & Wardle



کارکردهای شناختی یک اصطلاح گسترده است که به فرآیندهای ذهنی^۱ درگیر در کسب دانش، دستکاری اطلاعات و استدلال اشاره دارد. کارکردهای شناختی شامل حوزه‌های ادراک، حافظه^۲، یادگیری^۳، توجه^۴، تصمیم‌گیری^۵ و توانایی‌های زبانی^۶ است. مدل‌های کلاسیک شناخت انسان توسط دانشمندان شناختی در قالب یک الگوی پردازش اطلاعات مفهوم‌سازی شده است. این رویکرد مبتنی بر یک استعاره محاسباتی است که قیاسی بین عملیات ذهنی با عملکرد رایانه ترسیم می‌کند. اگر چه سیستم عصبی مرکزی به عنوان مکانیزمی که در این رویکرد پشتیبان شناخت است، تشخیص داده می‌شود، تمایز بین مغز و شناخت به رابطه بین سخت افزار رایانه و نرم افزار رایانه تشبیه شده است (کیلی^۷، ۲۰۱۴).

سوگیری‌های به گرایش افراد برای ارتکاب سیستماتیک خطاهای قضاوتی در زمان تصمیم‌گیری اشاره دارد. خطاهای قضاوتی اغلب نتیجه رفتارهای مکاشفه ذهنی یا میان‌برهای پردازش اطلاعات است که در فرآیند تصمیم‌گیری بشری جای گرفته‌اند. ده‌ها نوع از سوگیری‌های شناختی توسط روان‌شناسان شناسایی و دسته‌بندی گردیده است که برخی از آن‌ها در محاورات روزانه نیز استفاده می‌شود. سوگیری‌های شناختی اولین بار توسط روان‌شناس مشهور دانیل کانمن^۸ در سال ۱۹۷۲ و همکارش آموس تی ورسکی^۹ مطرح شد. آنها عنوان کردند که بشر از رویکرد کاوش شناختی استفاده می‌کند، به گونه‌ای که پیچیدگی قضاوت‌های احتمالی را کاهش دهد. به‌طور کلی این مکاشفه‌ها مفیدند اما گاهی منجر به خطاهای سیستماتیک و شدید می‌شوند (تی ورسکی و کانمن، ۱۹۷۴). آنها دیدگاه خود از این کاوش و سوگیری را این‌گونه تعریف می‌کنند: در تصمیم‌گیری و قضاوت تحت شرایط عدم اطمینان، به‌نظر نمی‌رسد که افراد محاسبه شانس یا تئوری آماری پیش‌بینی را دنبال کنند. به جای آن، آنها به شمار محدودی از اکتشافات خود بر مبنای تجربه اتکا می‌کنند که گاهی قضاوت‌های معقولی را نتیجه می‌دهند و گاهی اوقات منجر به خطاهای منظم و شدید می‌شوند (تی ورسکی و کانمن، ۱۹۷۳).

1. mental processes
2. memory
3. learning
4. attention
5. decision making .
6. language abilities
7. Kiely
8. Daniel Kahneman
9. AmosTversky



خطاهای شناختی، زیرمجموعه‌های زیادی دارند که این زیرمجموعه‌ها و تقسیم‌بندی‌ها، گاهی مرزهای مشخص هم ندارند و دارای همپوشانی هستند. از میان انواع تقسیم‌بندی‌ها و اصطلاحات حوزه خطاهای شناختی شاید دو اصطلاح سوگیری‌های شناختی^۱ و تحریف‌های شناختی^۲ رایج‌تر از بقیه باشند. با وجود اینکه اختلاف نظرهای جدی در تعریف و تفکیک مفهوم سوگیری‌های شناختی و مفهوم تحریف‌های شناختی وجود دارد، اما شاید تقسیم‌بندی زیر تاحدی راهگشا باشد. سوگیری‌های شناختی عموماً میان همه ما انسانها مشترک هستند و معمولاً در ارزیابی‌ها روی می‌دهند. تحریف‌های شناختی فردی‌تر هستند. به عبارتی شدت و ضعف آنها در انسان‌ها بسیار متفاوت است. معمولاً هم در ثبت و یادآوری رویدادها به وجود می‌آیند. باین حال، چون تقسیم‌بندی فوق بسیار ذهنی است، ترجیح می‌دهیم از اصطلاح خطاهای شناختی استفاده کنیم که عمومی‌تر است و همه موارد را پوشش می‌دهد.

تهدیدهای شناختی برای زنان شامل تبعیض و سوگیری است که بر ادراک، فرصت‌ها و رفاه آنها تأثیر می‌گذارد. منابعی مانند «جنسیت و قدرت: جامعه، شخص و سیاست جنسی» نوشته راوین کانل^۳ و «راهنمای مطالعات جنسیت و زنان» بینش عمیقی را در مورد این رابطه ارائه می‌دهند. این آثار به بررسی چالش‌های شناختی زنان در ساختارهای اجتماعی می‌پردازند و درک جامعی از پویایی‌های جنسیتی ارائه می‌دهند.

امروزه به موازات تحولات گسترده‌ای که در اوضاع اجتماعی زنان در جوامع بشری پدید آمده است، شاهد تغییر و تحولاتی در خواسته‌ها و نیازهای زنان جامعه هستیم که این خواسته‌ها در جهت احقاق حقوق از دست رفته آنها و دستیابی به عدالت جنسیتی است. در طول تاریخ بشری، جنسیت عامل مهمی در شکل‌گیری جایگاه فرد و به تبع آن ایفای نقش‌های متعدد او بوده است و جوامع بر حسب فرهنگ‌های مختلفی که داشته‌اند، نقش‌های متفاوتی را به زنان و مردان نسبت داده که در اغلب موارد، نقش زنان را نازل‌تر از مردان جلوه داده‌اند. کودکان با مجموعه‌ای از باورهای کلیشه‌ای از رفتارهای مناسب جنسیتی وارد مهد کودک، مدرسه و دانشگاه می‌شوند و غالباً مدرسه هم این باورها را تقویت کرده، تفاوت‌هایی را در دو جنس از انتظارات جامعه در زمینه شغل، خانواده و... در او ایجاد می‌کند. رفتار معلمان و مسئولان مدرسه نیز سوگیری جنسیتی را پایدارتر

1. Cognitive Biases
2. Cognitive Distortions
3. Raewyn Connell



می‌سازد. کار زنان در خارج از خانه نیز خالی از تبعیض نیست، میان مردان و زنان در زمینه نقش‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی نیز انتظارات متفاوتی وجود دارد، نقش‌های کلیدی و مهم در دست مردان و مشاغلی مانند معلّمی، پرستاری که در راستای همان نقش‌های خانوادگی است، بر عهده زنان می‌باشد که اشکال متفاوت و مختلف مجموعه کارهای زنانه و مردانه گویای این واقعیت است. مسئله‌ای که در تمام تاریخ به چشم می‌خورد این است که زن و مرد نقش‌های متفاوتی در جامعه و گروه‌های اجتماعی ایفا می‌کنند و جایگاه‌های متفاوتی به لحاظ قدرت و منزلت اشغال می‌نمایند، ولی نه صرفاً بخاطر تفاوت‌های زیست‌شناختی بلکه تحت تأثیر ایدئولوژی، گذشته‌ی تاریخی، اقتصادی و فرهنگی، آن چنان قوی و هماهنگ عمل می‌کنند که به راحتی می‌توانند موقعیت فرودست زنان را تولید و بازتولید نمایند. بدون تردید، طرح موضوع برابری یا تفاوت جنسیتی از سوی فمینیست‌ها در غرب، ناظر به شرایط تاریخی و اجتماعی آن و مبتنی بر ایدئولوژی‌های موجود در آن سرزمین می‌باشد. توجه به مسائل زنان در دنیای غرب در دوره‌های سه‌گانه جریان فمینیستی، بخشی از چرائی و چیستی برابری یا تفاوت جنسیتی را نشان می‌دهد. با ورود جریانات مدرن به کشورهای به اصطلاح جهان سوم، بخشی از رویکردهای اندیشه‌ای غرب بدون خاستگاه اجتماعی‌شان وارد این کشورها شده‌اند. مطالبات زنان و جریان فمینیستی نیز بخشی از ارمغان دنیای مدرن برای کشورهای چو ایران بوده و هست. با ورود چنین رویکردهایی، جامعه علمی و اندیشه‌ای نیز به چنین مباحثی وارد شده و در این بین دیدگاه‌های مختلفی شکل می‌گیرد (کلانتری و فقیه ایمانی، ۱۳۹۲).

در جامعه ما، به ویژه پس از انقلاب اسلامی - که هم دغدغه رفع تبعیض علیه زنان وجود داشته و هم توجه به مبانی اسلامی برابری و عدالت - جامعه علمی و پژوهشی، آثار متعددی را با رویکردهای مختلف به انجام رسانیده است. در این بین، متفکرین مواضع گوناگونی اتخاذ کرده‌اند؛ برخی از رویکردها طرفدار مواضع فمینیستی برابری، بعضی در صدد پیوند بین رویکرد فمینیستی و اسلامی و برخی دیگر داعیه‌دار اندیشه ناب اسلامی در مسئله برابری هستند. برخی نظریه‌هایی که بیانگر نقش‌های کلیشه‌ای برای زنان در خانواده و جامعه هستند را می‌توان در نظریه‌های یادگیری اجتماعی، فمینیسم لیبرال، فمینیسم اگزیستانسیالیسم، فمینیسم پست مدرن و نظریه طرحواره جنسیتی ملاحظه نمود.

در نظریه یادگیری اجتماعی^۱، یادگیری به معنی تغییر در رفتار است که در نتیجه تجربه یا



تمرین به دست می‌آید. در این نظریه، کودکان نقش‌های وابسته به جنسیت در هر دو جنس را می‌آموزند و همچنین می‌آموزند که کدام رفتارهای جنسیتی را انجام دهند؛ بنا بر این، نظریه یادگیری اجتماعی بر آن است که کودکان رفتارهای خاص مربوط به جنسیت را در خانواده و از طریق والدین می‌آموزند.

در نظریه‌های نابرابری جنسی (فمینیسم لیبرال) چهار مضمون، شاخص نظریه‌های نابرابری جنسی می‌باشند نخست اینکه زنان و مردان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند بلکه در موقعیت‌های نابرابری نیز قرار گرفته‌اند. دوم آنکه این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و از هیچگونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود. سومین مضمون نظریه نابرابری این است که هر چند افراد انسانی ممکن است از نظر استعدادها و ویژگی‌هایشان با یکدیگر تا اندازه‌ای تفاوت داشته باشند اما هیچ‌گونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد. چهارم این که همه نظریه‌های نابرابری، فرض را بر این می‌گیرند که هم مردان و هم زنان می‌توانند در برابر ساختارها و موقعیت‌های اجتماعی برابانه‌تر واکنشی آسان و طبیعی از خود نشان دهند.

دیدگاه فمینیسم اگرستانسیالیسم توسط سیمون دوبوار^۱ ارائه شد، دوبوار با تأکید بر تفاوت‌های زیستی بین زن و مرد، استدلال می‌کند که زیست‌شناسی، واقعیاتی را به نمایش می‌گذارد که جامعه در جهت اهداف خود، آن‌ها را تفسیر می‌کند. دوبوار بر آن است که این طبیعت نیست که محدودیت نقش‌های زنان را موجب شده بلکه این نقش‌ها، زاینده مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌ها، سنت‌ها و قوانین کهنه هستند که خود زنان نیز کم و بیش در پیدایش آن شریک و سهیم بوده‌اند. جمله معروف وی «هیچ‌کسی زن به دنیا نمی‌آید بلکه زن می‌شود» اشاره به همین مضمون دارد (دوران^۲، ۲۰۲۱).

فمینیسم پست مدرن: این رویکرد به شدت طرفدار برجسته کردن تفاوت بین دو جنس و تکرارگری است. در این رویکرد، زنانگی و مردانگی معانی ثابتی ندارند، بلکه خود تابعی از گفتمان‌هایی است که در نهادهای اجتماعی و شیوه‌های تفکر، همواره معانی موقت و در حال تغییر را به سود مناسبات قدرت و منافع اجتماعی خاص خلق می‌کنند (کلانتری و فقیه ایمانی، ۱۳۹۲).

1. Simone De Beauvoir

2. Duran



نظریه طرح‌واره جنسیتی^۱ مجموعه‌ای سازمان یافته از دانش است. بنابراین از نظر مفهومی تا حد زیادی مشابه کلیشه جنسیتی است. بر اساس این نظریه، فرهنگ، نقش مهمی در رشد جنسیت دارد؛ این نقش از طریق فراهم آوردن مرجعی برای شکل دادن طرح‌واره‌های جنسیتی انجام می‌شود که کودکان در آن آماده کدگذاری، سازماندهی اطلاعات و پردازش اطلاعات می‌باشند (ادهمی و روغنیان، ۱۳۸۸).

شهید مطهری معتقد است دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را بر پایه اصل عدل، در مداری مخصوص به خود قرار داده است؛ از این رو، سعادت هر موجودی در آن است که در مدار طبیعی خود حرکت کند. بر این اساس، وی عقیده دارد که باوجود دیدگاه رایج جنبش‌های فمینیستی تساوی طلب، این تفاوت‌ها به معنی برتری جنس مرد نمی‌باشد؛ بلکه به منظور تحکیم پیوند خانوادگی بین آنهاست. به این ترتیب، قانون آفرینش با ایجاد تفاوت‌ها به دست خود، حقوق و وظایف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم کرده است (مطهری، ۱۳۸۲). همچنین تساوی مرد و زن در انسانیت به معنای تشابه آن‌ها در حقوق و وظایف نیست؛ عدم تشابه حقوق زن و مرد در طبیعت، سازگار با حقوق فطری و عدالت است. بر این مبنا، ایشان تفاوت‌ها را منشأ تفاوت در حقوق می‌دانند (کلانتری و فقیه ایمانی، ۱۳۹۲).

آیت‌الله جوادی آملی تبیین خود از تفاوت‌ها را با ورود به مبحث روح آغاز می‌کند. ایشان معتقد است که حقیقت انسان به روح اوست و روح نیز موجودی مجرد است که جنسیت در آن راه ندارد. بنابراین، تمام تفاوت‌های زن و مرد به جسم باز می‌گردد و جسم نیز فقط ابزاری است برای روح (جوادی آملی، ۱۳۹۶).

محمد مجتهد شبستری با طرح دیدگاه تاریخت نظام خانواده، بر تفاوت‌های زن و مرد در ابعاد جسمی و روحی صحه می‌گذارد، اما بر این باور است که تفاوت‌ها در سیر تکامل تدریجی بشر و بدون وجود نقشه‌های پیشین رخ داده و به همین دلیل تغییر پذیرند. نتیجه این که نمی‌توان تفاوت‌ها را بر اساس هدفمندی خلقت، تبیین و بر آن، آثار حقوقی بار کرد (مجتهد شبستری، ۱۳۸۷).

باتوجه به نظریه‌هایی که اشاره شد، تأثیر کلیشه‌های شناختی می‌تواند درخصوص توانایی‌های زنان، دلایل عقب ماندگی آنها نقش مهمی داشته باشد؛ چرا که حضور زنان در عرصه اجتماع و نقش مؤثر آنها در توسعه، امری روشن و نادیده گرفتن آنها یعنی محروم کردن بخش عظیمی از سرمایه



فکری و نیروی انسانی است. بنابراین در توسعه انسانی و توسعه پایدار، توجه به رشد و ارتقای همه جانبه تک تک اعضای جامعه لازم و حتمی است و همه این‌ها حضور فعال و به دور از تبعیض جنسی را می‌طلبد تا زنان هم پای مردان بتوانند با استفاده از توانمندی‌ها و استعداد‌های بالقوه خویش برای رسیدن به توسعه، گام بردارند.

پیشینه پژوهش

مرادیان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «واکاوی تهدیدهای سایبر تروریسم علیه امنیت ملی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، سعی شده تا برای دستگاه‌های سیاست‌گذار، بسترهای ستادی و راهبردی مناسبی به منظور بهره‌گیری از قابلیت‌های فضای مجازی برای خنثی سازی تهدیدات و همچنین شناخت آسیب پذیری‌ها را در همه ابعاد آن، فراهم نمایند. از طرفی دیگر در این تحقیق، پژوهشگران سعی در واکاوی و بررسی علل و عوامل مؤثر در پیدایش تهدیدات سایبری در امنیت ملی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن واقعیت‌ها و چالش‌های موجود را مورد واکاوی قرار دهند. لذا روش اجرای این تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و یافته‌های مورد بحث، آشنایی با ابعاد مختلف تهدیدات فضای «سایبر تروریسم»، راهکارها و پیشنهاد‌های سازنده در این زمینه می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان از انطباق پاسخ‌های دریافتی داشته که این مهم می‌تواند در افزایش دفاع سایبری سازمان‌های دفاعی و امنیتی فعال در کشور جمهوری اسلامی ایران، نیز مؤثر واقع شود.

شریفی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کیفی مصوبات مجلس شورای اسلامی با محوریت زنان در بازه زمانی بیست ساله (۱۳۷۶ تا ۱۳۹۶)» نتیجه‌گیری می‌کنند که در ایران نگاه جامع نسبت به مسئله زنان، خانواده و توسعه به عنوان یک برنامه همه جانبه کم‌رنگ است. برنامه‌ریزی برای زنان بدون مشارکت آنها میسر نمی‌شود و توانمندسازی بانوان مقدم بر ایجاد فرصت‌های برابر است. توجه به وظایف فرزند پروری و همسر داری بانوان و محور قرار دادن هویت خانوادگی زنان، بدون توجه به هویت فردی و اجتماعی آنها نتایج مطلوبی نخواهد داشت که مهمترین آن تعارض کار - خانواده است. این در حالی است که در کشورهایی که ساختار خانواده نیز بسیار مورد توجه برنامه ریزان و سیاستمداران است، تمهیداتی در قالب تبعیض مثبت در نظر گرفته شده است که بتوانند تعادل را در جامعه حفظ نمایند. به عنوان مثال مجلس با هدف تسهیل‌گری



در فرزندپروری زنان شاغل، اقدام به افزایش مرخصی زایمان زنان نموده است. گرچه افزایش میزان مرخصی در بهبود شرایط جسمی مادران و مراقبت از فرزند توسط مادر بسیار مؤثر می‌باشد، اما عدم حمایت‌های جانبی از مادران در مدت استفاده از مرخصی زایمان چالش‌های فراوان دیگری را به همراه داشته است. مادران شاغل در صورت استفاده از این حق قانونی حداقل حقوق و مزایا را خواهند داشت، ضمن آنکه ضعف در فرهنگ مدیران و عدم همراهی آنها با مادران، به موقعیت شغلی زنان و بازگشت مجدد به کار ضربه وارد کرده است.

قره حسنیلو و میرحسینی (۱۴۰۰) در پژوهشی با هدف «واکاوی بسترها و زمینه‌های شکل‌دهنده نابرابری جنسیتی در بازار کار و اشتغال»، با استفاده از رویکرد کیفی پدیدارشناختی و مبتنی بر تجربیات زیسته زنان ساکن شهر تهران انجام دادند. به این منظور، با ۲۳ زن ۱۸ تا ۶۸ ساله که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شد تا بسترها و زمینه‌های شکل‌دهنده نابرابری جنسیتی در بازار کار و اشتغال واکاوی گردد. در مرحله تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل داده کلایزی استفاده‌شده و فرایند کدگذاری متن مصاحبه‌ها به صورت دستی انجام شده است. در مجموع ۳ مقوله اصلی، ۱۰ مقوله فرعی و ۵۹ مفهوم استخراج شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سه مقوله «باور به تقسیم کار جنسیتی»، شامل مقوله‌های فرعی «نان‌آوری مردان»، «زنانگی و الزامات آن» و «جایگاه زنان در عرصه خصوصی»، «نهادینه شدن فرودستی زنان»، شامل مقوله‌های فرعی «جامعه‌پذیری زنان»، «سلطه‌پذیری زنان» و «باورها و کلیشه‌های جنسیتی مردمحورانه» و در نهایت مقوله اصلی «سیطره الگوی مردانه»، شامل مقوله‌های فرعی؛ «اعتقاد به برتری مردان»، «سلطه‌جویی مردان»، «توانمندپنداری ذاتی مردان» و «نادیده گرفتن توانمندی زنان در عرصه بازار کار و شغل»، بسترها و زمینه‌های شکل‌دهنده این پدیده هستند که با بستر فرهنگی حاکم بر جامعه و خانواده تداوم پیدا کرده و دائم تولید و بازتولید می‌شوند.

کلانتری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی تهدیدهای هیبریدی و کاربست آن در سطوح امنیت ج.ا.ایران»، تهدیدهای هیبریدی یا ترکیبی را هم‌افزایی تهدیدها و ابزارهای نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشور می‌داند که به صورت هم‌زمان اجرا می‌گردد. این تهدیدها از تخریب‌محور به تأثیرمحور تغییر یافته است. امنیت ملی عبارت از توان یک ملت در فائق آمدن بر تهدیدهای چندوجهی و بقای آن به عنوان یک «دولت-ملت» در هر زمان با به کارگیری همه ابزارهای اعمال سیاست است. هدف اصلی در این پژوهش، تبیین انواع



تهدیدهای هیبریدی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. ابزار گردآوری پرسشنامه و اسناد و مدارک است که به روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی انجام شده و از نوع کاربردی بوده است. جامعه نمونه ۸۳ نفر و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه بود. در این تحقیق تعداد ۳۰ تهدید هیبریدی در سه سطح احصاء گردید. سطح بین‌الملل ۲۱ تهدید، ملی ۱۱ تهدید و منطقه‌ای ۹ تهدید. تعداد ۱۱ تهدید هم‌زمان در دو سطح فعال می‌باشند. بیشترین تهدید در سطح بین‌الملل وجود دارد.

پیروسی و شیرخانی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش زنان در تقویت قدرت نرم از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی»، شاخص‌های اجتماعی قدرت نرم را به استناد بیانات و سخنرانی‌های رهبری در این زمینه، شناسایی و جمع‌آوری کردند. روش حاکم بر تحقیق، بر تحلیل محتوا استوار بوده و برای استخراج مفاهیم و مقوله‌ها و تعداد کاربرد آنها، تحلیل متون مربوط به بیانات و مکتوبات امام خامنه‌ای، از منابع مختلف و مستند صورت گرفت. با بررسی متون در نهایت ۴۸ عنوان سخنرانی و مکاتبه به‌عنوان موارد متضمن و مرتبط با مفهوم قدرت نرم، انتخاب شد که در مرحله اول ۲۴۴ کد شناسایی شد. در قدم بعدی این کدها در ۲۴ مفهوم (شاخص) اصلی و در ۶ مقوله اصلی شامل نهاد خانواده، جامعه اخلاقی، سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی، وحدت و انسجام اجتماعی و روحیه ملی طبقه‌بندی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد از نظر رهبری، زنان با اقداماتی چون تحکیم بنیان خانواده، تربیت نسل آینده، مقابله با تهاجم فرهنگی، تقویت سبک زندگی اسلامی، تقویت روحیه ملی، کمک به اقتصاد مقاومتی با مصرف کالاهای ایرانی، تحصیلات، فعالیت در بسیج و... می‌توانند نقش مهمی در تقویت قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران داشته باشند.

عبدالحمید و دادرسی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «آرائه نوع‌شناسی خطاهای شناخت در فهم مسائل حکمرانی» بطور خاص با نظر داشت جایگاه خطیر حکمرانان و خط مشی‌گذاران، مرحله نخست خط مشی‌گذاری عمومی، یعنی تشخیص مسئله و خطاهای شناختی و رفتاری مربوط به آن را مورد توجه قرار می‌دهد تا حکمرانان را از ارتکاب خطای نوع سوم بازدارد. در این مسیر، از طریق کاربست روش کتابخانه‌ای، انواع خطاهای شناختی مرتبط با تشخیص مسأله شناسایی گردید و پس از آن در مرحله تحلیل اطلاعات علاوه بر بکارگیری روش تحلیل محتوا، از طریق تشکیل گروه کانونی، خطاها مورد بحث و دسته‌بندی قرار گرفت. در نهایت نیز این خطاها از طریق دلفی فازی مورد تایید خبرگان قرار گرفت.



ابراهیمی و اسماعیل زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «سوگیری‌های شناختی در قضاوت حرفه‌ای حسابرسی»، قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان را متأثر از عواملی می‌دانند که از جمله آن می‌توان عوامل محیط کاری حسابرسی، ویژگی‌های حسابرسان، شواهد، فرایند تصمیم‌گیری و ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان را نام برد. نقش عوامل فرایند تصمیم‌گیری در این میان بیشتر از همه مورد توجه بوده است. اعمال یک قضاوت خوب به طور یکنواخت در یک محیط کسب و کاری که پیوسته در حال افزایش پیچیدگی و پویایی، عدم اطمینان و فشار بالاست، مستلزم یک فرایند منظم است. از این رو باید دام‌ها و سوگیری‌های متداولی را مورد توجه قرار داد که می‌تواند قضاوت‌های حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار دهند. در این پژوهش راهکارهایی برای پیشگیری از اینگونه خطاهای شناختی پیشنهاد شده است.

مونوز و سالیدو-فرنا^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «سوگیری‌های جنسیتی در شبکه‌های اجتماعی محلی»، انجام دادند. هدف اصلی پژوهش، بررسی میزان بازنمایی جنسیت در نمایه تویتر کانال محلی یا منطقه‌ای^۲ بود. برای این منظور، از مجموع ۷۵۴ توییت منتشر شده در سپتامبر و اکتبر، ۲۰۲۲ تجزیه و تحلیل محتوایی انجام شد تا مشخص شود حضور زنان در پوشش خبری چگونه است و آیا سوگیری‌ها و کلیشه‌های جنسیتی در بخش‌های حوزه کنشگری، تألیف، منابع خارجی و در محتوای سمعی و بصری وجود دارد؟ یافته‌ها نشان داد که زنان به وضوح در این شبکه اجتماعی به پس‌زمینه‌ها بازنمایی می‌شوند، علاوه بر این، سوگیری‌ها همچنان ادامه دارد، و کلیشه‌هایی مانند نشانه‌گذاری‌های جنسیتی، نقش‌های سنتی یا زبان جنسیتی در متن و تصاویر دیده می‌شود. این مقاله عدم تعادل در بازنمایی جنسیت در تویتر را به عنوان یک کانال عمومی نشان می‌دهد که همان سوگیری‌های موجود در قالب سنتی آن را تطبیق می‌دهد و مانع از پیشرفت اجتماعی زنان در فضای دیجیتال می‌شود.

فرا^۳ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «اثر پروانه‌ای در سیستم‌های هوش مصنوعی: پیامدهایی را برای تعصب و عدالت در هوش مصنوعی» انجام دادند. مفهوم اثر پروانه‌ای که از نظریه آشوب ناشی شده است، نشان می‌دهد که چگونه تغییرات به ظاهر جزئی می‌تواند منجر به نتایج قابل توجه و غیرقابل پیش‌بینی در سیستم‌های پیچیده شود. این نتایج اغلب به طور نامتناسبی بر

1. Munoz, & Salido-Fernandez
2. Canal Sur Noticias
3. Ferrara



گروه‌های به حاشیه رانده شده تأثیر می‌گذارد و نابرابری‌های اجتماعی موجود را تقویت می‌کند. علاوه بر این، اثر پروانه‌ای می‌تواند سوگیری‌ها را در داده‌ها یا الگوریتم‌ها برجسته نموده، حلقه‌های بازخورد را تشدید کند، و حساسیت به حملات خصمانه را افزایش دهد. با توجه به تعامل پیچیده در سیستم‌های هوش مصنوعی و پیامدهای اجتماعی آنها، بررسی دقیق هرگونه تغییر در الگوریتم‌ها یا ورودی داده‌ها برای اثرات ناخواسته احتمالی ضروری است. این مقاله ترکیبی از روش‌های الگوریتمی و تجربی را برای شناسایی، اندازه‌گیری و مقابله با اثر پروانه‌ای در سیستم‌های هوش مصنوعی پیشنهاد می‌کند. رویکرد ما بر ضرورت مقابله با این چالش‌ها برای تقویت نتایج عادلانه و اطمینان از تکامل هوش مصنوعی مسئولانه تأکید می‌کند.

مونز پلازا^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در تعریف جنگ شناختی و اقدامات متقابل جنگ روانی و تهدیدات ترکیبی بر این باورند که در حال حاضر یکی از بزرگترین خطرات برای ثبات سیستم‌های دموکراتیک، جنگ‌های شناختی است و همچنین برای سوء استفاده از آسیب‌پذیری روانی افراد مورد، استفاده قرار می‌گیرد. همراه با استفاده از اطلاعات نادرست از فناوری‌ها، سوگیری‌های شناختی افراد در یک جمعیت مستعد استثمار و تحریف توسط یک بازیگر خارجی به منظور تغییر رفتار، باورها و تصمیم‌گیری برای دستیابی به اهداف راهبردی خود عامل بسیار مهمی هستند. در این مقاله آنها ذهن انسان را به مثابه میدان نبرد در جنگ شناختی می‌دانند و نه تنها افراد، بلکه رفتارهای گروهی را به نفع اهداف دشمن هدف قرار می‌دهد. با نقش فزاینده فناوری، توانایی‌های شناختی فرد، دیگر برای اطمینان از تصمیم‌گیری آگاهانه و به موقع کافی نخواهد بود و از تکنیک‌های اطلاعات نادرست و تبلیغاتی با هدف فرسودگی شناختی گیرنده‌های اطلاعات استفاده می‌شود. شناخت پیامدهای این تحولات راهبردی، از یک سو مستلزم شناخت سطوح مختلف این آثار و از سوی دیگر آگاهی یافتن از سازوکارهای چگونگی شکل‌گیری فرصت‌ها و تهدیداتی است که در نهایت جامعه را با نوعی چالش روبه‌رو می‌سازد.

پیتمن^۲ (۲۰۱۹) در رساله دکترای خود با عنوان «تهدیدهای شناختی و نحوه مقابله با آنها» تأکید می‌کند که آسیب‌پذیری‌های ذهن انسان ناشی از نحوه طراحی آن برای پردازش اطلاعات، از زمان خلقت نوع بشر همواره در جنگ مورد سوء استفاده قرار گرفته است. تاریخ با استفاده مکرر از فریب‌ها و دستکاری‌ها در طول قرن‌ها با نمونه‌هایی متفاوت از انواع تهدیدهای شناختی استفاده

1. Muñoz Plaza

2. Pitman



کرده است در حالی که این راهکنش‌ها، به طور جمعی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. فرض می‌کنیم که آنها یک مسئله امنیتی را مطرح می‌کنند که راهبردهای پیشگیری در سطوح مختلف را می‌توان با موفقیت به کار برد. سؤالات تحقیقی که این مطالعه مطرح می‌کند این است که این تهدیدات شناختی چه ویژگی‌هایی دارند و چه تکنیک‌های خاصی را می‌توان برای مقابله با آنها به کار برد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق به کار برده شده در پژوهش حاضر داده‌ها با استفاده از روش کیفی بررسی شده است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش، شامل دو گروه نخبگانی زنان و دانشجویان زن بوده‌اند. ملاک ورود مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، گروه خبرگانی شامل زنان متخصص (اساتید، نماینده‌های مجلس، زنان در رده‌های عالی و میانی مدیریت‌ها، کنشگران مدنی در احزاب، فعالان حوزه زنان) و گروه‌های دانشجویی زنان (دانشجویان دانشگاه‌ها) در سنین مختلف و در رشته‌های مختلف تحصیلی با روش نمونه‌گیری هدفمند و داوطلبانه جهت مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته انجام شد و تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت.

مشارکت‌کنندگان^۱

در این پژوهش، با مرور دانش نظری و مطالعات پیشین در زمینه حوزه نظری موضوع، با درک جایگاه پژوهش به منظور سامان دادن پرسش‌های اولیه، فرایند گردآوری داده‌ها از طریق تکنیک مصاحبه نیمه ساختارمند، دنبال شده است. تامل بر زمینه وقوع کنش و موقعیت تحقق تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان، همراه با داستان‌هایی که خودشان در موقعیت‌های زندگی بیان می‌کنند ارزیابی‌هایی از بستر تحقق موضوع را به دست می‌دهد. این رفت و برگشت پژوهشگر به میدان مشاهده پدیده و تجربه زیست‌کنندگان با موضوع در پژوهش کیفی تابع حجم و اندازه از پیش تعیین شده‌ای نیست بلکه آنچه مسیر دست‌یابی به اهداف پژوهش را تسهیل می‌کند تا فرایند گردآوری داده‌ها به دریافت یافته‌ها در جهت پاسخ به پرسش‌های پژوهش منتج شود مفهومی است که از آن به عنوان اشباع نظری یاد می‌شود.



جدول ۱. توزیع فراوانی مصاحبه‌شوندگان به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی

کد	گروه سنی	تحصیلات	رشته	شغل
۱	خبره	دکتری	انسانی	هیئت علمی
۲	خبره	دکتری	انسانی	هیئت علمی
۳	خبره	دکتری	انسانی	هیئت علمی
۴	نسل جدید	کارشناسی ارشد	انسانی	دانشجو
۵	نسل جدید	کارشناسی ارشد	مهندسی	دانشجو
۶	نسل جدید	کارشناسی ارشد	مهندسی	دانشجو
۷	نسل جدید	کارشناسی ارشد	مهندسی	دانشجو
۸	نسل جدید	کارشناسی ارشد	مهندسی	دانشجو
۹	نسل جدید	کارشناسی ارشد	مهندسی	دانشجو
۱۰	نسل جدید	کارشناسی ارشد	مهندسی	دانشجو
۱۱	خبره	دکتری	مهندسی	دانشجو
۱۲	خبره	کارشناسی	مهندسی	کارمند
۱۳	نسل جدید	کارشناسی	انسانی	هیئت علمی
۱۴	نسل جدید	کارشناسی ارشد	پزشکی	دانشجو
۱۵	نسل جدید	دکتری	پزشکی	دانشجو
۱۶	خبره	دکتری	انسانی	کارمند
۱۷	نسل جدید	دکتری	انسانی	دانشجو
۱۸	نسل جدید	کارشناسی	هنر	دانشجو
۱۹	نسل جدید	کارشناسی	هنر	دانشجو
۲۰	نسل جدید	کارشناسی	انسانی	دانشجو
۲۱	نسل جدید	کارشناسی	پزشکی	دانشجو



۲۲	نسل جدید	کارشناسی ارشد	انسانی	کارمند
۲۳	خبره	دکتری	انسانی	هیئت علمی
۲۴	خبره	دکتری	انسانی	هیئت علمی
۲۵	نسل جدید	کارشناسی	مهندسی	کارمند
۲۶	نسل جدید	کارشناسی	هنر	دانشجو
۲۷	نسل جدید	کارشناسی	هنر	دانشجو
۲۸	نسل جدید	کارشناسی ارشد	مهندسی	دانشجو
۲۹	نسل جدید	کارشناسی ارشد	انسانی	دانشجو
۳۰	نسل جدید	کارشناسی ارشد	انسانی	دانشجو

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که از بین مصاحبه‌شوندگان پژوهش، ۸ نفر از گروه خبرگان که شامل اساتید دانشگاه و پژوهشگران و مسئولین دولتی بوده‌اند و ۲۲ نفر از دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر، شریف، خواجه نصیر و تربیت معلم بودند. ۱۰٪ از آزمودنی‌ها دانش آموخته رشته‌های پزشکی، ۳۳/۳٪ دانش آموخته رشته‌های مهندسی، ۴۳/۳٪ دانش آموخته رشته‌های علوم انسانی و ۱۳/۳٪ دانش آموخته رشته‌های هنر بودند.

پیش از آغاز کار مشارکت‌کنندگان از موضوع پژوهش، ضرورت‌ها و اهداف پژوهشگر در انتخاب و پیگیری چنین موضوعی و همچنین روش اجرای مصاحبه و پژوهش به صورت کلی مطلع شدند. در نهایت زمانی که مصاحبه‌شوندگان شرایط مصاحبه را پذیرفتند، مصاحبه به صورت حضوری یا در برخی موارد تلفنی انجام شد. مشارکت‌کنندگان حق انصراف و خروج از پژوهش را داشتند. به این صورت که در آغاز کار پژوهش و قبل از انجام مصاحبه به آن‌ها گفته شد که در هر مرحله از پژوهش حق انصراف از شرکت در پژوهش را دارند و هیچ‌گونه اجبار و فشاری برای ادامه‌ی همکاری با پژوهشگر وجود ندارد. به تمامی مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که از اطلاعات خصوصی و شخصی آن‌ها محرمانه است و هویت آن‌ها تحت هیچ شرایطی آشکار نمی‌شود. از مشارکت‌کنندگان جهت ضبط صدای آن‌ها در حین مصاحبه اجازه گرفته شد. البته در موارد معدودی هم به دلیل عدم رضایت مشارکت‌کننده برای ضبط صدا، به ثبت همزمان داده‌ها اکتفا شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در این تحقیق، از این چهار معیار برای اعتباربخشی به روند پژوهش استفاده شد. این چهار معیار عبارتند از:

اعتبارپذیری^۱: یعنی آنچه در یافته‌ها و نتایج تحقیق از سوی محقق ذکر می‌شود، همانی باشد که در ذهن پاسخگو بوده است. در این تحقیق، این معیار با توضیح هدف مصاحبه و پدیده محوری برای مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه آزمایشی به‌منظور کامل کردن سؤالات جهت فهم بیشتر، انجام کامل پژوهش تا اشباع داده‌ها، ارائه داده‌ها به مشارکت‌کنندگان و نظرخواهی از آنان و تخصیص زمان کافی برای انجام مصاحبه‌ها و همچنین انجام کدگذاری توسط چند نفر صورت گرفت.

انتقال‌پذیری^۲: به معنای قابلیت تعمیم نتایج به سایر حوزه‌ها و زمینه‌هاست، دقت شرایط تحقیق و جامعه مورد مطالعه، برای رسیدن به این مطلوب کمک می‌کند. در این پژوهش سعی شد که شرایط پژوهش و انتخاب شرکت‌کنندگان به‌دقت انتخاب شود تا بتوان داده‌های به‌دست‌آمده را به جامعه مورد نظر انتقال داد.

قابلیت اطمینان^۳: در این تحقیق، در راستای کفایت تجزیه و تحلیل و رسیدن به یافته‌ها، از نظرات مشاوره‌ای اعضای تیم مصاحبه استفاده شد و در تمامی مراحل تجزیه و تحلیل، نظرات آن‌ها اخذ، بررسی و اعمال شد.

تائیدپذیری^۴ در این تحقیق این معیار از طریق دقت در انتخاب نمونه‌ها، تلفیق روش‌های گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و یادداشت‌برداری انجام شد. به‌علاوه، در این راستا بر مصاحبه حضوری به‌عنوان یک ابزار سنجش که می‌تواند اعتمادپذیری تحقیق کیفی را افزایش دهد نیز تأکید شده است به‌علاوه، ضبط کردن و نوشتن خط به خط مصاحبه، تمامی مصاحبه‌ها تا جایی که مصاحبه‌شونده و اخلاق پژوهش اجازه می‌داد، ضبط شد و کلمه به کلمه، پیاده‌سازی شد.

1. Credibility
2. Transferability
3. Reliability
4. Credibility





جدول ۲. مقوله‌های سطح اول (کدهای باز) مرتبط با چالش‌ها و تهدیدهای شناختی زنان

مقوله‌های سطح اول کدهای باز تهدیدهای شناختی زنان	بخشی از متن مصاحبه کد اولیه
چند بعدی بودن هویت	من چطوری فکر می‌کنم چطوری به دنیا نگاه می‌کنم چطوری تو جمع خودم رو پیدا می‌کنم همش چالش‌های جدی برای ماست. هم خودم هم خانواده و هم فضایی دارم توش زندگی می‌کنم مجموعاً تعریف من رو از هویت‌م می‌سازه همیشه خیلی تفکیک کرد بین جنبه‌های فردی یا اجتماعی از هویت. باید همه جنبه‌ها رو مثل حلقه‌های مختلف زنجیر کنار هم گذاشت.
لایه درونی و بیرونی هویت	تعریف من از خودم اون چیزی نیست که شما دارید می‌بینید یه چیزایی در درون شخصیت ما هست شاید در بیرون نبینید. وقتی با کسی روبرو هستید باید بدونید که با انسان پیچیده روبرو هستید که بخشی نماد بیرونی دارد و بخشی متوجه جنبه‌های درونی‌ست. تو زندگی خوابگاهی بعضی وقتها لازمه خیلی ارتباط برقرار نکنی بیشتر تو خودت باشی و بعضی وقت‌ها بیشتر بیای تو جمع.
احساس تعارض هویتی	من یه بخش‌هایی دارم که مال خودمه. اینجا تو خوابگاه رفتارهایی می‌بینی که شاید از کسی انتظار نداری. به نظر میاد آدم‌ها الزاماً اون‌هایی نشون میدن نیستن. معمولاً وقتی برمی‌گردم شهرستان احساس می‌کنم با دیگه اونجا سخته میشه. نمیدونم اونجا چیکاره هستم. انگار تعریفی از خودم ندارم. من یک زنم در عین حال فعال اجتماعی هم هستم. اما خیلی مواقع بین زن بودن و نقش اجتماعی گیر می‌کنم من در جمع خانواده انگار کس دیگری هستم. حتی پوششم عوض میشه. در حالی که تهران طور دیگه‌ای هستم.
بحران هویت جنسیتی	بود و نبود ما گره خورده با دختر بودن مان خیلی مواقع بچه‌هایی هستن که با لباس پسران میرن بیرون تا زمانی که نتوانیم میان خواست دختران و آنچه در شرایط جامعه حاکم است نسبت درستی برقرار کنیم بحران‌ها ادامه دارد.



احساس تردید هویتی	والا آدم می‌مونه که اگر من بزرگ شدم و می‌تونم تو جامعه حضور پیدا کنم پس چرا با دست باز نمی‌تونم اونو باشم که می‌خوام. در تعریف از خود تصویر روشنی دارم اما همه چیز در دست ما نیست. خیلی وقت‌ها باید بجنگی و از میان جنبه‌های مختلف زندگی خودت رو بیرون بکشی.
اندیشه ورزی هویتی	من خیلی فکر می‌کنم که کی هستم ممکنه خیلی هم جواب مشخصی پیدا نکرد اما بهش زیاد فکر می‌کنم. هر کس باید در مورد زندگی خود، شیوه‌های آن و جایگاهی که در جهان هستی دارد به نظام تفکری دست یابد و آن را روش‌مند کند. من حالا این قدر فیلسوفانه به زندگی نگاه نمی‌کنم اما خوب بدون فکر هم که همیشه پیش رفت. باید تکلیفت رو با خودت مشخص کنی.
علم‌گرایی در ساخت معنای زندگی	من زیاد کتاب می‌خونم. زیاد اهل ارتباطم. خیلی تو جمع‌های فرهنگی میرم چون احساس می‌کنم زندگی‌م رو می‌تونم این طوری تغییر بدم. این رو شنیدیم که اگر می‌خوایم زندگی رو بسازیم باید یه کاری بکنیم. با دست روی دست گذاشتن نمیشه. برا همین الان من اینجام. از ابتدای تحصیل تا امروز که دارم کار تخصصی می‌کنم زندگی من تغییری نداشته و نگاهم به زندگی خیلی جاها سخت بوده اما اگر نبود همه اینها، شاید امروز زندگی این گونه نبود.
افزایش ظرفیت شناختی زنان	ما دخترا قدرت تشخیص داریم و می‌فهمیم پس برا زندگی مون تصمیم می‌گیریم. زنان ما دیگه خیلی چیزا رو می‌فهمن پس همیشه بهشون به راحتی زور گفت زنان را با توجه به افزایش تحصیلات و رشد اجتماعی آنها دیگر محدود به احساس لطیف زنانه نیستند
نارضایتی از کنشگری بیرونی زنان	از این مساله ناراحتم که حضور یه زن رو فقط در نقش جنسی ببینیم. خیلی از زنان حضورشون صرفا مادی و ظاهریه. حضور زن در جامعه باید آگاهانه تر باشد.
ارزشمندی هویت فردی	خودم برای خودم اولویت دارم و مهمه که چطوریم. این منم که تو زندگی اهمیت دارم. اینکه من کی هستم خودم تعیین می‌کنم و نظر خودم هم مهمه.



ارزشمندی آراستگی	اینکه به خودم برسم برام دوست داشتنیه. روتین پوستی دارم. از استایل کردن خوشم میاد. دوست دارم خوب به نظر بیام. لباس خوب، ظاهر خوب. اینا مهمه چون شخصیت ما رو نشون میده
اولویت حال خوب فردی	تو زندگی برام مهمه که چی حال من رو خوب می‌کنه. حتی اگر دیگران خیلی موافقش نباشن هر کس یا چیزی که حس خوبی بهم نده میزارم کنار مگه چندبار می‌خوام زندگی کنم معمولا آخر هفته میرم کوه یا با بچه‌ها میریم بیرون. حال و هوام رو تغییر بدم
ارزشمندی آرامش درونی	وقتی بخوای به درس و کار اینا فکر کنی باید بتونی ذهن آرومی داشته باشی تا بازدهی که از خودت انتظار داری بهش برسی. روان آرام می‌تواند متضمن رشد و حضور اجتماعی باشد این را از تجربه مراجعان پر مساله می‌توان دریافت که با تریابی آرامش روانی آنها بهبود پیدا می‌کند و پس از آن می‌توانند زندگی متفاوتی بسازند.
انگیزه پیشرفت فردی	دارم در کنار درس، زبان می‌خونم تا برای مهاجرت آماده بشم و زندگیم رو اون طور که می‌خوام بسازم. دوست دارم ادامه تحصیل بدم، کار خوب پیدا کنم. خونه بگیرم و ماشین خودم رو داشته باشم. با همه دشواری‌های زندگی مشترک، ادامه تحصیل دادم و توانستم به هدفی که می‌خواستم برسم.
ارزشمندی مطالعه	کتاب خوندن رو دوست دارم و جزو برنامه‌های جدی منه تو بیکاریم کتاب می‌خونم چون احساس می‌کنم باید چیزایی رو یاد بگیرم. مطالعه هم در کار من وهم در زندگی شخصی مهم و ضروری‌ست.
علاقه فرهنگی	کتابخوانی از علایق منه وفیلم دیدن با بچه‌ها بیرون میریم موزه، سینما، فیلم می‌بینیم. فرصت کمی برای فراغت دارم اما علایق خودم رو در حوزه هنر و موسیقی دنبال می‌کنم.



هزینه کردن برای مصرف فرهنگی	من زیاد کتاب می‌خرم و اولویت خریدم کتاب هست . اگه از یه چیزی خوشم بیاد براش هزینه می‌کنم مثلاً خرید کتاب، رفتن به کنسرت امروزه به دلیل تغییرات اجتماعی و فرهنگی هزینه کرد فرهنگی افزایش یافته است. مثلاً ما بسیاری از دختران جوان را کلینیک خودمان داریم که برای کارگاه‌های افزایش آگاهی هزینه می‌کنند.
ارزشمندی رشد اجتماعی	می‌خوام ادامه تحصیل بدم و کارم رو هم به بهترین شکل شروع کنم چون می‌خوام زندگیم رو بسازم دختر می‌خوان سهم خودشون رو از جامعه بگیرن پس باید رشد کنن انسان امروز می‌خواهد زندگی امروز نسبت به دیروز رشد قابل توجه کند.
ارزشمندی استقلال بدن	باید اختیار بدن هر زن دست خودش باشه. خودش تصمیمی که می‌خواهد بتونه برای بدنش بگیره اینکه تو بخواهی تغییری بدی تو بدنت تابع منطق خودت هست. اینکه چه جوری حالت خوبه من اهل تتو و اینا نیستم اما هر کس دوست داره انتخاب خودش حتی تو بحث مساله جنسی هم ما باید بتونیم خودمون تعیین کننده باشیم.
ارزشمندی حق بر بدن	وقتی وارد زندگی میشی انگار دیگه بدنت برای خودت نیست در حالی که نباید کس دیگه‌ای صاحب بدن ما باشه. بدن اختیارش دست خود ماست. دیگه والا این خیلی خنده داره. این معلومه که برای بدن خودمه و خودم تصمیم میگیرم
ارزشمندی زیبایی	تو نسل ما دیگه این بدیهی هست. دوست داری خشگل باشی و البته از نگاه خودت من نسبت به ظاهرم حساسم. حواسم هست پوستم حفظ بشه. لباسم اوکی باشه و حس خوبی پیدا کنم.
ارزشمندی عزت نفس	من تلاش زیادی کردم تا تو زندگی حضورم مورد احترام همسرم باشه و به خودش حق نده که رفتار توهین آمیزی با من بکنه بخش زیادی از اینکه دوست دارم مستقل بشم اینه که بتونم خودم حضور خودم رو به دیگران اعلام کنم من معمولاً تو شهر خودمون طوری رفتار نمی‌کنم که قضاوت بشم چون برام مهمه که زیر سوال نرم



وجود ظرفیت عاطفی زنان	ما دخترا خیلی حساسیم و این من رو اذیت می‌کنه من عشق و احساس زنان رو دوست دارم و به نظرم میشه باهاش کارا رو پیش برد. مادران جامعه ظرفیت برجسته عشق و عاطفه هستند که می‌تواند در جهت بهبود خانواده و جامعه از آن استفاده شود افزایش پرخاشگری خانم‌ها افزایش افسردگی خانم‌ها افزایش مدیریت هیجان‌های خانم‌ها احساس محرومیت در نسل جدید
ارزیابی مثبت از زندگی	زندگی برای من خاکستری‌ست. یعنی با همه بالا و پایین‌ها و جنگ و جدال‌ها، زندگی باز هم جریان داره زندگی از نظر من منظومه‌ای جذاب از رنگ‌های متنوع و متفاوت با حال و احوال خاص خود است. زندگی برای من آبی رنگه چون رنگ آبی رو دوست دارم پس زندگی رو هم دوست دارم.
ارزشمندی احساس امنیت جمعی	مهمه ما دخترا حال مون خوب باشه و نترسیم از حضور در حوزه‌های مختلف ما دوست نداریم با نگاه جنسیت زده و بسته هر جا میریم تحت نظر باشیم و احساس کنیم تو خیابون، دانشگاه و هر جای دیگه در خطریم. دختران و جامعه نیاز دارند تا هم به لحاظ فیزیکی و هم روانی، آرامش خاطر داشته باشند. خلایی که در مراجعانم می‌بینیم.
ارزشمندی حریم شخصی	یه پارتنر قبل همه باید حریم من رو بهش احترام بزاره. زود اجازه دسترسی به خودم رو به کسی نمیدم. من برای حفظ حریم مادی و معنوی خودم خط قرمزهایی دارم که در هر رابطه‌ای به اون پایبند هستم. حریم یه آدم مال خودشه و این رو خیلی‌ها نمیفهمن. خوب باید بهشون فهموند.



انتخاب‌گری در زندگی	زندگی که حق انتخاب نداشته باشی ارزش نداره. برای ما مهمه اون‌ی که مامان و باباهامون میگن نباشیم. چیزی باشیم که خودمون می‌خوایم. هرچه زنان آگاه مسیر زندگی خود را با شناخت بیشتر گزینش‌گری کنند، قطعا نتایج بهتری از رشد فردی و اجتماعی می‌گیرند. من خودم تا اینجا تعیین کننده بودم و سعی کردم مسیرم رو خودم انتخاب کنم حتی اگه اشتباهایی هم داشته باشم.
اعتبار خود در ساخت معنای زندگی	معنای زندگی رو خودمان می‌سازیم. از نظر من هرکس معنای خودش رو می‌سازه. لاقل من که این طوری هستم و دنبال همینم تو زندگی. افرادی که خود را به خوبی پیدا کرده‌اند می‌تونن نقش سازنده‌ای در معنا بخشیدن به زندگی داشته باشن و این گونه زندگی بهتری رو هم بسازند. اگر دست‌مون باز باشه، خودمون زندگی‌مون رو معنا کنیم. میشه گفت خوبه چون هیچ‌کس نمی‌تونه جای ما باشه
اولویت تصمیم‌سازی فردی	خودم بر اساس نظر خودم تصمیم‌های مهم رو می‌گیرم. نه اینکه نظر دیگران رو نشنوم اما این خودم هستم که حرف آخر رو می‌خوام بزنم. اینکه من فراری هستم از اینکه به اهل خونه در مورد کارام حرف بزنم اینه که می‌خوان هی خط بدن به آدم در حالی که می‌خوام با نظر خودم تصمیم بگیرم. تلاش می‌کنم هم خودم و هم به مراجعانم این را منتقل کنم که برای پیشبرد زندگی تصمیمات مستقل و مبتنی بر توانایی‌ها و شناخت خود بگیرند.
اولویت انتخاب فردی در مصرف	مصرف من تابع شرایط خودمه. پس من براش تصمیم می‌گیرم پدرم پولی رو برام میریزه و من مصرفم رو مدیریت می‌کنم و قطعا نظر خودم رو اعمال می‌کنم. معمولا چون زنان تا حدی استقلال مالی کسب کرده‌اند تمایل دارند خودشان تصمیم بگیرند که با پولشان چه می‌کنند.
اولویت انتخاب فردی در مصرف	مصرف من تابع شرایط خودمه. پس من براش تصمیم می‌گیرم. پدرم پولی رو برام میریزه و من مصرفم رو مدیریت می‌کنم و قطعا نظر خودم رو اعمال می‌کنم. معمولا چون زنان تا حدی استقلال مالی کسب کرده‌اند تمایل دارند خودشان تصمیم بگیرند که با پولشان چه می‌کنند.



اولویت انتخاب فردی در پوشش	من تابع مد نیستم. خودم هر چیزی رو که پسندم باشه، می‌خرم. من از ابتدا تحت تاثیر شرایط خانواده و مدرسه و حالا هم دانشگاه پوشش خودم رو انتخاب می‌کنم. اما خوب دوست دارم خودم تصمیم گیرنده باشم. من خودم دشواری اجبار رو در نسل خودم تجربه کردم پس در برخورد با دخترم تلاشم اینه که خودش بتونه انتخابگر باشه
اولویت سبک فردی در زندگی	رشد من مهمه درسته وابستگی‌هایی دارم به خانواده اما به نظرم خانواده باید فرزندشون رو برای جدا شدن و رفتن به راه خودش تربیت کنند. هر دختری دوست داره اون‌طور که می‌خواهد زندگی کنه شاید بعضی مواقع با خودم بگم که این مهمه مسئولیت در خانه و کار مرا محدود کرده در حالی که باید بتوانم برای خودم زندگی کنم.
ارزشمندی هدف گذاری فردمحور	من شاید زمانی با خواهرم مشورت می‌کردم اما بعد چون دیدم این طوری نمی‌تونم تصمیمات خودم رو بگیرم. حالا مدتهاست دیگه خودم تصمیم می‌گیرم و مسیر زندگی رو تعیین می‌کنم. تصمیمات خودم رو تو زندگی خودم می‌گیرم ممکن هست با خانواده مشورتی کنم اما خودم هستم که بر اساس تشخیص خودم عمل می‌کنم حالا ممکن هست درست باشه یا نه ولی تصمیم منه تا این مرحله از رشد زندگی فردی و اجتماعی خودم با همه چالش‌ها کوشیدم خودم اهداف زندگی رو پیش ببرم.
انتخاب پوشش مبتنی بر ارزش‌های فردی	مدگرا نیستم ولی به چیزایی برام مهمه. مثلاً شخصیت من رو زیر سوال نبره طوری لباس می‌پوشم که دوست دارم اما نوع پوشش من ناهنجار نیست هر کس با توجه به مجموعه‌ای از باورهای فرهنگی آموخته شده به نوعی از پوشش می‌رسد
انتخاب پوشش مبتنی بر ارزش‌های جمعی	درسته خودم تصمیمی می‌گیرم چی بپوشم اما طوری هم نباید باشه که من رو ضد اجتماعی نشون بده به اجبار به سری چیزا رو باید رعایت کرد دیگه به اسم قانون و ارزش و ... انسان اجتماعی تابع قواعدی‌ست که البته باید مورد توافق اهالی آن جامعه نیز باشد.



انتخاب پوشش مبتنی بر حفظ حریم شخصی	معمولا لباس‌های آزاد و گشاد می‌پوشم این طوری راحت ترم در ارتباط با بقیه یه جوری لباس می‌پوشم که جلب توجه نکنه و بدنم هم نمایش داده نشه چون نگاه‌های بد تو جامعه زیاده پوشش ما ابزاری برای حفظ حریم ماست و نوعی اعلام به دیگران مبنی بر محترم شمردن دایره شخصی ما
انتخاب پوشش مبتنی بر معیار عقلانی	قطعا آدم می‌خواه یه مدل لباسی بپوشه که معقول باشه من بر اساس میل خودم ولی با یه اصولی که دارم و مشکل درست نمی‌کنه لباس می‌پوشم دختران و زنان ما فهمیده هستند و درصد بالایی از اونها معیارهای درستی برای پوشش دارند
استقلال رای در هدف گذاری	الان کسی نمی‌تونه برای زندگی من خط بده. خیلی موقع‌ها بوده که پای این وایسام. به نظرم همه دختران باید بتونن با آزادی کامل خودش برای خودشون هدف گذاری کنن متأسفانه همیشه کس دیگه‌ای می‌خواه جای ما مسیر زندگی رو انتخاب کنه در حالی که زندگی ماست و باید خودمون بدون فشاری امروز و آینده زندگی رو تعیین کنیم.

کدگذاری محوری در خصوص چالش‌ها و تهدیدهای شناختی زنان

کدگذاری محوری برای زنان در خصوص چالش‌های شناختی زنان و دختران دانشجو در جدول زیر خلاصه شده است:



جدول ۳. مقوله‌های سطح ۲ (کدهای محوری) در حوزه چالش‌های شناختی فردی

مقوله‌های سطح ۱ کدهای باز	مقوله‌های سطح دوم کدهای محوری
ارزشمندی هویت فردی	خودمحوری هویتی
ارزشمندی احترام به خود	
ارزشمندی آراستگی	ارزشمندی بدن
ارزشمندی استقلال بدن	
ارزشمندی حق بر بدن	
ارزشمندی زیبایی	
ارزشمندی استقلال مالی	هویت یابی اقتصادی
چند بعدی بودن هویت	پیچیدگی هویتی سردرگمی هویتی
لایه درونی و بیرونی هویت	
احساس تعارض هویتی	
احساس تردید هویتی	
اندیشه ورزی هویتی	هویت یابی آگاهانه
انتخاب گری در زندگی	
اعتبار خود در ساخت معنای زندگی	سازندگی هویتی ارزشمندی زیست تجربی زیست تجربی عملگرایانه
کشنگری خود در ساخت معنای زندگی	
تجربه گرایی منطقی در زندگی	
علمگرایی در ساخت معنای زندگی	
افزایش ظرفیت منطقی زنان	توانمندی شناختی زنان
افزایش ظرفیت شناختی زنان	
توانمندی منطقی زنان	



ارزشمندی توسعه فردی هدف گذاری فردمحور تصمیم سازی فردگرایانه تصمیم سازی مستقل معنامندی تصمیمات زندگی تفکیک حوزه خصوصی و عمومی ارزشمندی حریم شخصی	انگیزه پیشرفت فردی
	اولویت حال خوب فردی
	اولویت تصمیم سازی فردی
	ارزشمندی معنای زندگی
	ارزشمندی عزت نفس
	ارزشمندی حریم شخصی
	ارزشمندی هدف گذاری فردمحور
	استقلال رای در هدف گذاری
	انتقاد به شکست حریم شخصی
کیفیت زیست روانی	ارزشمندی آرامش درونی
	ارزیابی مثبت از زندگی

جدول ۴. کدهای محوری در حوزه چالش‌های شناختی اجتماعی

مقوله‌های سطح ۱ کدهای باز	مقوله‌های سطح دوم کدهای محوری
چند بعدی بودن هویت	پیچیدگی هویت جمعی هویت خواهی اجتماعی هویت خواهی فرهنگی هویت یابی ارزیابانه
ارزیابی مسیر زندگی	
هویت خواهی فرهنگی	
هویت خواهی ارتباطی	هویت یابی ارتباطی کنشگری فعال ارتباطی ارتباط اجتماعی موثر ارتباط اجتماعی مبتنی بر گفتگو کنشگری کلامی در ارتباط اجتماعی
ارزشمندی گفتگو	
ارزشمندی ارتباط کلامی	
بروز اجتماعی با ارتباط کلامی	
کنشگری در ارتباط موثر	



ارزشمندی احساس امنیت جمعی ارزشمندی رشد اجتماعی انگیزه پیشرفت اجتماعی دغدغه مندی اجتماعی دغدغه اخلاق اجتماعی کنشگری جمعی در ساخت معنای زندگی	ارزشمندی احساس امنیت جمعی
	ارزشمندی رشد اجتماعی
	انگیزه پیشرفت اجتماعی
	دغدغه مندی اجتماعی
	دغدغه اخلاق اجتماعی
	کنشگری جمعی در ساخت معنای زندگی
مطالبه گری هویت اجتماعی مطالبه گری پذیرش فکری اجتماعی مطالبه گری پذیرش بلوغ اجتماعی	مطالبه به رسمیت شناخته شدن هویت
	مطلوب بودن پذیرش بلوغ اجتماعی
	مطلوب بودن پذیرش بلوغ فکری
توانمندی اجتماعی زنان توانمندی عملگرایی زنان	توانمندی مدیریتی زنان
	توانمندی کنشگری زنان
توانمندی شناختی زنان توانمندی منطقی زنان توانمندی عاطفی زنان	وجود ظرفیت عاطفی زنان
	افزایش ظرفیت منطقی زنان
	افزایش ظرفیت شناختی زنان
نگاه فراجنسیتی به زنان اهمیت نگاه انسانی به زنان برابری طلبی انسانی	نگاه جنسیتی به زنان
	ضعف نگاه انسانی به زنان



زیست اجتماعی فراعرفی بازتعریف اخلاق عرفی مطالبه تغییر اخلاق عرفی نقد امر اجتماعی عرفی زیست اجتماعی انتقادی هویت اجتماعی مغفول تصمیم سازی محدودیت یافته نقد به ناپدیده انگاری اجتماعی	بی اعتباری اخلاق عرفی
	عمومیت ضعف اخلاقی
	دغدغه اخلاق اجتماعی
	بی اعتباری اخلاق عرفی
	عمومیت ضعف اخلاقی
	احساس محدودیت اجتماعی
	احساس ناپدیده انگاری اجتماعی
	اثرهاله ناپدیده انگاری اجتماعی
	انتقاد به محدودیت قدرت تصمیم گیری
زیست جنسیتی فرامحدودیتی نقد به سردرگمی زیست جنسیتی نقد به سردرگمی زیست اجتماعی بیگانگی با امر اجتماعی بیگانگی با امر جنسیتی	سازندگی مبتنی بر محدودیت جنسیتی
	بحران هویت جنسیتی
	از خودبیگانگی جنسیتی
	از خود بیگانگی اجتماعی



جدول ۵. کدهای محوری در حوزه چالش‌های شناختی میان نسلی

مقوله‌های سطح ۱ کدهای باز	مقوله‌های سطح دوم کدهای محوری
باورهای شناختی میان نسلی	زیست میان نسلی مستقل زیست اجتماعی فرانسلی مطالبه نسلی اجتماعی باور به تفاوت میان نسلی باور به اشتراک بین نسلی مطالبه فراجنسیتی بین نسلی مطالبه امنیت اجتماعی بین نسلی ضعف احساس امنیت اجتماعی بین نسلی مطالبه مفاهمه میان نسلی زیست انتقادی جنسی بین نسلی نقد به روابط آزاد جنسی بین نسلی نقد به عدم درک نسلی نظام سیاسی نقد به عدم درک نسلی نظام فرهنگی
دغدغه تربیت بین نسلی	
مطالبه گری نسلی	
متفاوت بودن نسل دهه ۸۰	
مطالبه گری نسل دهه ۸۰	
امنیت خواهی دهه ۸۰	
نگاه جنسی به فرصت‌های زندگی در دهه ۸۰	
احساس عدم امنیت اجتماعی در دهه ۸۰	
نقد به درک میان نسلی	
نقد به رها شدگی نسلی	
نقد به روابط آزاد جنسی در دهه ۸۰	
نقد به بی هدفی زندگی در دهه ۸۰	
نقد به بیگانگی با نظام سیاسی	
نقد به عدم درک میان نسلی نظام فرهنگی	



کدگذاری انتخابی در خصوص چالش‌های شناختی فردی زنان در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۶. کدهای انتخابی چالش‌های شناختی فردی

مقوله‌های سطح ۲: کدهای محوری	مقوله‌های سطح سوم: کدگذاری انتخابی
پیچیدگی هویتی سردرگمی هویتی	هویت مندی چالشی
خودمحوری هویتی سازندگی هویتی هویت یابی آگاهانه هویت یابی اقتصادی	خودساختگی هویتی
هدف گذاری فردمحور تصمیم سازی فردگرایانه تصمیم سازی مستقل معنامندی تصمیمات زندگی ارزشمندی توسعه فردی	تصمیم سازی مستقل فردمحور
ارزشمندی بدن تفکیک حوزه خصوصی و عمومی ارزشمندی حریم شخصی کیفیت زیست روانی توانمندی شناختی زنان	بدن محوری فیزیکی-روانی
ارزشمندی زیست تجربی زیست تجربی عملگرایانه	تجربه گرایی زیستی



کدگذاری انتخابی چالش‌های شناختی جمعی در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۷. کدهای انتخابی چالش‌های شناختی جمعی

مقوله‌های سطح ۲: کدهای محوری	مقوله‌های سطح سوم: کدگذاری انتخابی
پیچیدگی هویت جمعی هویت خواهی اجتماعی هویت خواهی فرهنگی هویت یابی ارزیابانه هویت فردی آگاهانه در زیست جمعی هویت فردی مبتنی بر دغدغه اجتماعی به رسمیت شناختن امر اجتماعی	هویت مندی امر اجتماعی پیچیده
هویت یابی ارتباطی کنشگری فعال ارتباطی ارتباط اجتماعی موثر ارتباط اجتماعی مبتنی بر گفتگو کنشگری کلامی در ارتباط اجتماعی	هویت اجتماعی فعال ارتباط گر
ارزشمندی احساس امنیت ارزشمندی وجود امنیت امنیت ارتباط اجتماعی	احساس ارزشمندی امنیت اجتماعی
مطالبه گری هویت اجتماعی مطالبه گری پذیرش فکری اجتماعی مطالبه گری پذیرش بلوغ اجتماعی	مطالبه گری پذیرش هویت رشد یافته
توانمندی اجتماعی زنان توانمندی عملگرایی زنان	توانمندی شناختی-ترکیبی جمع محور زنان



توانمندی شناختی-ترکیبی فرد محور زنان	توانمندی شناختی زنان توانمندی منطقی زنان توانمندی عاطفی زنان
برابری خواهی فراجنسیتی برای زنان	نگاه فراجنسیتی به زنان اهمیت نگاه انسانی به زنان برابری طلبی انسانی
اخلاق عرفی باز اندیشانه برای زنان	زیست اجتماعی فراعرفی بازتعریف اخلاق عرفی مطالبه تغییر اخلاق عرفی نقد امر اجتماعی عرفی
زیست اجتماعی چالش برانگیز زنان	زیست اجتماعی انتقادی هویت اجتماعی مغفول تصمیم سازی محدودیت یافته نقد به ناپدیده انگاری اجتماعی



کدگذاری انتخابی در خصوص ویژگی‌های مطلوب زنان در مورد باورهای شناختی میان نسلی است در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۸. کدهای انتخابی چالش‌های شناختی میان نسلی

مقوله‌های سطح ۲: کدهای محوری	مقوله‌های سطح سوم: کدگذاری انتخابی
زیست میان نسلی مستقل زیست اجتماعی فرانسلی مطالبه نسلی اجتماعی باور به تفاوت میان نسلی باور به اشتراک بین نسلی مطالبه فراجنسیتی بین نسلی مطالبه امنیت اجتماعی بین نسلی ضعف احساس امنیت اجتماعی بین نسلی مطالبه مفاهمه میان نسلی زیست انتقادی جنسی بین نسلی نقد به روابط آزاد جنسی بین نسلی نقد به عدم درک نسلی نظام سیاسی نقد به عدم درک نسلی نظام فرهنگی	روابط میان نسلی چالش برانگیز تفاوت‌های اجتماعی میان نسلی اشتراکات اجتماعی بین نسلی مطالبه امنیت بین نسلی مطالبه زیست فرانسلی روابط جنسی آزاد بین نسلی عدم مفاهمه میان نسلی با نظام سیاسی عدم مفاهمه میان نسلی با نظام فرهنگی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر باهدف شناسایی چالش‌های فکری زنان در مواجهه با انواع تهدیدات شناختی انجام گرفت. برای رسیدن به این هدف، روش پژوهش کیفی به کار گرفته شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۳۰ نفر از زنان (۸ خبره و ۲۲ نفر دانشجوی) که ملاک‌های ورود به پژوهش را برآورده می‌کردند انتخاب شدند و تحت مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته عمیق قرار گرفتند. تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از مشارکت‌کنندگان با استفاده از روش کدگذاری و در قالب سه مرحله‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. در مرحله‌ی کدگذاری باز، یک فرآیند پنج مرحله‌ای به شناسایی کدهای اولیه، کدهای ثانویه، مفاهیم، مقولات فرعی در مورد سوالات



پژوهش‌شناسایی شدند که به پیدا شدن مقولات کلان یا طبقات انجامید و در پایان در ۳ دسته مقولات بشرح ذیل طبقه‌بندی و نامگذاری شدند:

۱. مقوله‌های باورهای شناختی فردی که شامل: هویت مندی چالشی، خودساختگی هویتی، تصمیم‌سازی مستقل فردمحور، بدن محوری فیزیکی-روانی و تجربه‌چرایی زیستی‌شناسایی و نامگذاری شدند.

۲. مقوله‌های باورهای شناختی جمعی که شامل: هویت اجتماعی فعال ارتباط‌گر، احساس ارزشمندی امنیت اجتماعی، مطالبه‌گری پذیرش هویت رشد یافته، توانمندی شناختی-ترکیبی جمع‌محور زنان، توانمندی شناختی-ترکیبی فردمحور زنان، برابری خواهی فراجنسیتی برای زنان، اخلاق عرفی بازاندیشانه برای زنان و زیست اجتماعی چالش برانگیز زنان شده است.

۳. مقوله‌های باورهای شناختی بین‌نسلی شامل: روابط میان‌نسلی چالش برانگیز، تفاوت‌های اجتماعی میان‌نسلی، اشتراکات اجتماعی بین‌نسلی، مطالبه امنیت بین‌نسلی، مطالبه زیست فرانسلی، روابط جنسی آزاد بین‌نسلی، عدم مفاهیم میان‌نسلی با نظام سیاسی و عدم مفاهیم میان‌نسلی با نظام فرهنگی شده است.

مشروح مقولات نهایی پژوهش

۱- مقوله‌های مرتبط با باورهای شناختی فردی

- هویت مندی چالشی: این مقوله گویای چالش‌هایی است که در حوزه هویت وجود دارد و این پیچیدگی ابعاد مختلف هویت می‌تواند ایجادکننده سردرگمی و ابهام شود و فرد را دچار مساله هویتی نماید.

- خودساختگی هویتی: این مقوله مرتبط با نقش سازنده و نگاه سازنده‌گرا به ساخت زندگی زنان است. زنان با تکیه بر تلاش فردی، به شکل آگاهانه می‌کوشند زندگی خود را معنا بخشند. رسیدن به سطحی از توان اداره مالی زندگی و تجربه استقلال مالی نیز مکمل این معناست. - تصمیم‌سازی مستقل فردمحور: ارزشی مورد توافق زنان است که مطابق آن تصمیمات خود را مبتنی بر اولویت خواست فردی می‌گیرند تا سازنده معنای مستقلی برای زیست فردی خود باشند.

- بدن محوری فیزیکی-روانی: برای زنان مفهوم بدن و داشتن مالکیت و اختیار بر بدن ارزشی



غیر قابل انکار است که عمدتاً با درک معنایی از بعد جسمی و روانی این ارزش است و تفکیک بدن از حوزه عمومی نیز حائز اهمیت است تا حریم خصوصی بدن مورد توجه باشد که این گویای توانمندی شناختی زنان در ورود به حوزه‌هایی است که کمتر از سوی کلیشه‌های سنتی به رسمیت شناخته شده‌اند.

- تجربه گرایی زیستی: تجربه کردن برای زنان مهم است و در گروه زنان با سنین مختلف ارزشمند است اگرچه ممکن است تفاوت‌هایی در کم و کیف این تجربه گرایی در نسل‌های مختلف وجود داشته باشد اما آنچه مهم است دست بکار تجربه شدن است که زنان را کنشگر عمل‌گرا در تجربه کردن موضوعات مورد خواستشان در زیست فردی و جمعی می‌سازد.

۲- مقوله‌های باورهای شناختی جمعی

- هویت مندی/ امر اجتماعی پیچیده: دغدغه هویت مساله اساسی برای زنان است با این توضیح که هر کدام بسته به شرایط سنی، تحصیلی، موقعیت اجتماعی و توان شناختی، شکلی آن را تجربه می‌کنند. توجه به ابعاد مختلف هویت به عنوان فردی از جامعه بر این چالش می‌افزاید چراکه در بسیاری موارد خواست و دغدغه هویتی آنها بر پایه نیاز جمعی و پرسش هویتی گروه مشترکی از زنان است.

- هویت اجتماعی فعال/ ارتباط گر: در بازشناسی هویت زنان مساله ارتباط نقش ویژه‌ای دارد. این ارتباط چه در گروه نخبگانی شامل ارتباط‌های علمی و دانشی و اجتماعی باشد و چه در گروه نسل جدید، بیشتر بر اساس ارتباط مجازی باشد در هویت یابی زنان موثر است و زمینه گفتگوهای هویتی را فراهم می‌کند.

- احساس ارزشمندی/ امنیت اجتماعی: امنیت خواست و مطالبه جدی است و ارزشمند است هم در حوزه کنشگری اجتماعی و هم ارتباطات اجتماعی، هم چنین علاوه بر ضرورت وجود امنیت، چیزی که مورد گلایه جدی است، احساس امنیت است.

- مطالبه گری پذیرش هویت رشد یافته: زنان با تحصیل و کار بیش از اثبات وجود حضور خود به جامعه، به رشد و بلوغ فردی و اجتماعی دست یافته‌اند و این مطالبه جدی را نیز از جامعه دارند که چنین رشدی را بپذیرد و موثر تلقی نماید.

- توانمندی شناختی- ترکیبی جمع محور زنان: رشد توانمندی زنان در حوزه‌های اجتماعی و



اقدام و عمل موثر آنها گویای مجموعه توانمندی‌های چند جانبه شناختی آنهاست که بر درک جامعه و توجه به زیست جمعی استوار است.

- **توانمندی شناختی** - ترکیبی فرد محور زنان: همان گونه که زنان بر محور زیست جمعی، نمود و بروز اجتماعی دارند و توانمندی شناختی خود را در تجارب زیست اجتماعی بکار می‌گیرند، می‌توانند ظرفیت شناختی خود را در حوزه‌های مختلف زیست فردی نیز دخالت دهند و به تناسب تصمیمات بهتری برای زندگی خود بگیرند.

- **برابری خواهی** / **فراجنسیتی برای زنان**: زنان از گروه‌های مختلف سنی مطالبه نگاه انسانی را دارند و به دنبال جایگزینی نگاه انسانی به زن به جای نگاه جنسیتی هستند و گوهر برابری برای آنها در این حوزه بسیار ارزشمند است.

- **اخلاق عرفی** / **بازاندیشانه برای زنان**: برای زنان ارزش عرف و مبنای بی چون و چرای زندگی قرار گرفتن آن مورد تایید است. به ویژه برای نسل جدید این مساله حائز اهمیت است. این دختران معتقد به عرف متفاوتی هستند که متضمن نیازهای تازه و نگاه تازه در زندگی باشد. از همین رو نگاه انتقادی به عرف و به ویژه اخلاق عرفی دارند. این جسارت عبور از عرف به عنوان یک امر اجتماعی، در نسل گروه نخبگانی تعدیل شده است و حتی با برخی ملاحظات همراه است. - **زیست اجتماعی** چالش برانگیز زنان: زنان و دختران گلایه مند هستند از اینکه جامعه توانایی‌های آنها را نمی‌بیند. بهایی برای آنها قائل نیست و حتی فضای رشدشان را محدود می‌کند. زنان نخبگانی در کسب جایگاه‌های مدیریتی و موقعیت‌های اجتماعی و نسل دهه ۸۰، با ناکامی در دست یابی به خواسته‌هایش چنین احساسی را تجربه می‌کنند.

۳- مقوله‌های باورهای شناختی بین نسلی

روابط میان نسلی چالش برانگیز: زبان مشترک برای ارتباط، گفتگو و تعامل میان نسل‌ها گویا سخت حاصل می‌شود. حتی در برخی موارد دست نیافتنی می‌شود و این گونه نسل‌های مختلف در خانه و جامعه، در برقراری ارتباط دچار مساله می‌شوند.

تفاوت‌های اجتماعی میان نسلی: میان نسل‌های مختلف در خواست اجتماعی، دغدغه‌های اجتماعی و مطالبات اجتماعی تفاوت‌های جدی وجود دارد. گروه نخبگانی بیشتر مطالبه‌های شغلی و حقوقی دارد و نسل جدید بیشتر متمرکز بر حفظ حقوق شهروندی و آزاد اجتماعی است. **اشتراکات اجتماعی بین نسلی**: اینکه برای زنان و دختران رشد فردی و ارتقای استانداردهای



اجتماعی مهم و ضروری است در بین اعضای هم نسل مشترک است و با اندکی اغماض در میان نسل‌های مختلف هم قابل ردیابی ست.

مطالبه امنیت بین نسلی: اینکه ما به دنبال آرامش هستیم و پذیرش نسلی که می‌تواند متفاوت هم باشد امنیت خاطری برای یک نسل پدید می‌آورد که به آن اشارات جدی می‌شود.

مطالبه زیست فرانسلی: هر نسل نیازهای خاصی دارد اما اینکه زنان دست به تجربه بخش‌هایی از سبک‌های زندگی دختران جوان می‌زنند یا برخی دختران اندیشه‌های فراتر از خواست هم‌نسلان خود دارند گویای آن است که نسل‌های مختلف متقاضی رفت و برگشت میان نسلی و تجربه زیست بخشی از زندگی نسل‌های دیگر هستند.

روابط جنسی آزاد بین نسلی: موضع گروه نخبگانی رد کامل روابط جنسی آزاد هم برای زنان و دختران و هم مردان است اما تا حدی پذیرفته‌اند که در نسل‌های جدید مابرا به گونه دیگری است. در میان دختران دهه ۸۰، اگرچه ممکن است نگاه اخلاقی یا دینی به آن نداشته باشند، اما دیدگاه‌ها از پذیرش تا رد در یک طیف قابل شناسایی است.

عدم مفاهمه میان نسلی با نظام سیاسی: دختران نسل جدید خود را بیگانه با نظام سیاسی می‌دانند، در نتیجه رغبتی به مشارکت سیاسی هم ندارند چون آن را موثر نمی‌دانند اما دیگر نسل‌ها از جمله گروه نخبگانی نیز منتقد جدی هستند و معتقدند برقراری درک و فهم مشترک با نظام سیاسی سخت و پرهزینه شده است.

عدم مفاهمه میان نسلی با نظام فرهنگی: از آنجا که فرهنگ با زیست‌کنندگان آن مشروعیت می‌یابد، باید در مورد نگاه نسل جدید به نظام فرهنگی جامعه در آینده فرهنگی، تامل کرد. چراکه بیشتر مقوله‌های فرهنگی را، سیاسی و یا عرفی می‌بینند که نسبت به هر دو نقد دارند و نسل نخبگانی بیشتر در کنش‌های فرهنگی حضور دارند اما نسبت به سیاست‌های نظام فرهنگی مساله دارند.

در این پژوهش همچون سایر پژوهش‌ها، محدودیت‌هایی مانند فقدان منابع مطالعاتی و پژوهشی مرتبط با پژوهش، محدود بودن مصاحبه به دو گروه خبرگان و دانشجویان ساکن در شهر تهران بوده است و لذا می‌بایست در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها احتیاط شود. همچنین پیشنهاداتی به منظور کاهش شکاف بین نسلی می‌توان بشرح ذیل طرح نمود:



۱. شناخت و درک نیازهای زنان و دختران نسل جدید

اولین گام برای کاهش شکاف، درک دقیق ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نسل جدید است. این نسل در دنیای دیجیتال و سریع رشد کرده و انتظارات متفاوتی از سیاست‌ها و نحوه مدیریت جامعه دارند. شناخت الگوهای رفتاری، انتظارات از آزادی‌های فردی، تمایل به شفافیت و مشارکت اجتماعی می‌تواند به حاکمیت کمک کند تا ارتباط موثرتری با این نسل برقرار کند.

- تحقیقات اجتماعی و نظرسنجی‌های مستمر برای بررسی اولویت‌ها و نگرش‌های نسل جدید بسیار ضروری است. این داده‌ها می‌تواند به حاکمیت کمک کند تا تصمیمات خود را بر اساس نیازها و خواسته‌های واقعی این نسل تنظیم کند.

۲. همکاری و مشارکت جوانان در فرآیندهای تصمیم‌گیری:

نسل جدید به دنبال مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست‌های حاکمیتی است. برای کاهش شکاف، حاکمیت باید فرصت‌هایی برای مشارکت مستقیم جوانان ایجاد کند.

- نهادهای مشارکت جوانان در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می‌توانند به نسل جدید احساس تعلق بدهند. استفاده از فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی برای دریافت نظرات و پیشنهادها این نسل می‌تواند به شکل‌گیری سیاست‌های تعاملی کمک کند.

- ایجاد بسترهای آنلاین که جوانان بتوانند به صورت مستقیم نظرات خود را با سیاست‌گذاران به اشتراک بگذارند و از نتایج آن آگاه شوند، می‌تواند احساس شفافیت و ارتباط متقابل را تقویت کند.

۳. شفافیت و پاسخگویی در حاکمیت:

نسل جدید به دلیل دسترسی گسترده به اطلاعات و منابع جهانی، نسبت به مسائل شفافیت و پاسخگویی حاکمیت حساس است. آن‌ها انتظار دارند که نهادهای دولتی به صورت شفاف و عادلانه عمل کنند و در برابر تصمیمات خود پاسخگو باشند.

- شفافیت اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف مانند امور مالی، اقتصادی، و سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند اعتماد نسل جدید را افزایش دهد. استفاده از ابزارهای دیجیتال برای ارائه اطلاعات شفاف و واقعی، اعتمادسازی بین نسل جدید و حاکمیت را تقویت می‌کند.

- پاسخگویی عمومی در مواجهه با چالش‌های اجتماعی، به ویژه از طریق رسانه‌های اجتماعی، می‌تواند نشان دهد که حاکمیت نظرات و انتقادات نسل جوان را جدی می‌گیرد.



۴. نوآوری در نظام آموزشی:

نسل جدید نیاز به آموزش‌های نوآورانه و مهارت‌محور دارد که با نیازهای دنیای دیجیتال و بازار کار مدرن تطابق داشته باشد. حاکمیت می‌تواند از طریق بازنگری در نظام آموزشی و ارائه مهارت‌های لازم به نسل جوان، ارتباط خود را تقویت کند.

- استفاده از تکنولوژی‌های نوین در آموزش، از جمله یادگیری آنلاین و دیجیتال، برای نسل جدید جذاب است. همچنین، توجه به مهارت‌های نرم و حل مسائل پیچیده در برنامه‌های درسی می‌تواند نسل جدید را برای چالش‌های آینده آماده کند.

- آموزش تفکر انتقادی و حل مسئله به جای صرفاً تکیه بر حفظ مطالب، باعث می‌شود که نسل جدید به عنوان نیروی فکری جامعه توانمند شود و احساس ارتباط بیشتری با سیاست‌های توسعه کشور داشته باشد.

۵. استفاده از ابزارهای دیجیتال و فناوری:

نسل جدید به شدت با تکنولوژی در هم تنیده است و بسیاری از تعاملات روزمره آن‌ها در فضای دیجیتال صورت می‌گیرد. حاکمیت باید از ابزارهای دیجیتال و فناوری‌های نوین برای برقراری ارتباط و انتقال اطلاعات به این نسل استفاده کند.

- پلتفرم‌های دیجیتال مشارکتی می‌توانند به حاکمیت در جلب نظر نسل جدید و به کارگیری آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک کنند. ارائه خدمات دولتی به صورت آنلاین و استفاده از ابزارهای تعاملی مانند اپلیکیشن‌های موبایلی می‌تواند روند ارتباط با نسل جدید را تسهیل کند.

- ایجاد سازوکارهای دیجیتال برای شفاف‌سازی و پیگیری پیشنهادهای و شکایات، نشان‌دهنده تمایل حاکمیت به برقراری ارتباطی مؤثر و دوطرفه با نسل جوان است.

۶. ترویج هویت فرهنگی و اجتماعی:

با وجود گرایش به جهانی‌شدن، نسل جدید به دنبال بازتعریف هویت فرهنگی و اجتماعی خود است. حاکمیت می‌تواند با ترویج ارزش‌های فرهنگی و تاریخی به شیوه‌های جذاب و نوآورانه، احساس تعلق این نسل به جامعه را تقویت کند.

- نهادهای سازش ارزش‌های فرهنگی از طریق پروژه‌های خلاقانه و مبتنی بر هنر و فناوری، به



عنوان مثال برگزاری جشنواره‌های هنری دیجیتال، می‌تواند پلی میان فرهنگ سنتی و هویت مدرن ایجاد کند.

۷. توجه به مسائل اجتماعی و محیط زیستی:

نسل جدید حساسیت بالایی به مسائل عدالت اجتماعی و محیط زیست دارد. حاکمیت می‌تواند با تمرکز بر این مسائل، احساس نزدیکی بیشتری با این نسل ایجاد کند.

- توجه به پایداری محیط زیست، اجرای سیاست‌های کاهش آلودگی و توسعه انرژی‌های پاک، و همچنین توجه به مسائل عدالت اجتماعی و حقوق بشر، باعث تقویت اعتماد نسل جدید به حاکمیت می‌شود.

سپاسگزاری

این مقاله بخشی از نتایج طرح پژوهشی است که با حمایت مالی پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی انجام شده است. از این‌رو از همکاری و حمایت مالی این پژوهشگاه تشکر می‌نماید.



منابع

۱. ابراهیمی، ابراهیم و اسماعیل زاده، حجت (۱۳۹۴). سوگیری‌های شناختی در قضاوت حرفه‌ای حسابرسی، *مطالعات حسابداری و حسابرسی* ۴(۱۳): ۷۴-۸۷.
۲. ادهمی، عبدالرضا و روغنیان، زهره (۱۳۸۸). بررسی تأثیر عقاید قالبی بر نابرابری جنسیتی در خانواده، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۳(۴): ۱۲۷-۱۴۳.
۳. پیروسی، معصومه و شیرخانی، علی (۱۳۹۸). نقش زنان در تقویت قدرت نرم از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی. *فصلنامه آفاق امنیت*. ۱۲(۴۴): ۶۸-۱۰۰.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). زن در آینه جلال و جمال. قم: اسراء.
۵. شریفی، الهام - فتحی، سروش و سفیری، خدیجه (۱۴۰۱). تحلیل محتوای کیفی مصوبات مجلس شورای اسلامی با محوریت زنان در بازه زمانی بیست ساله (۱۳۷۶ تا ۱۳۹۶). *فصلنامه زن و جامعه*. ۱۳(۵۰): ۶۷-۸۴.
۶. عبدالحمید، مهدی و دادرس، فرزاد (۱۳۹۸). ارائه نوع شناسی خطاهای شناخت در فهم مسائل حکمرانی. *مجموعه مقالات اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی، مدرسه حکمرانی شهید بهشتی*. ۱-۲۷.
۷. عبدالله خانی، علی (۱۳۹۲). *نظریه/امنیت*. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۸. عبداللهیان، حمید و هومن، نیلوفر (۱۳۹۹). نقش شبکه‌های اجتماعی در توانمندی زنان از منظر صاحب‌نظران حوزه زنان، جنسیت و ارتباطات. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. ۱۹(۵۸): ۱۴۱-۱۶۴.
۹. علی نژاد، منوچهر - موسوی، سیده زینب و پارسامهر، مهربان (۱۴۰۱). مطالعه الگوی خودتوانمندی زنان کارآفرین یزد: تعامل سازنده با حصارهای ذهنی و اجتماعی، زن در توسعه و سیاست، ۲۰(۳): ۴۱۵-۴۴۰.
۱۰. قره حسنلو، فاطمه و میرحسینی، زهرا (۱۴۰۰). واکاوی بسترها و زمینه‌های نابرابری جنسیتی در بازار کار و اشتغال، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۸(۹۵): ۳۷-۶۹.
۱۱. کلانتری، عبدالحسین و فقیه ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲). فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده درباره



«نابرابری جنسیتی. زن در فرهنگ و هنر، ۵(۱): ۱۲۵-۱۴۲.

۱۲. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۸). زنان، کتاب و سنت، مجله زنان، ۵۷(۸): ۱۹-۲۲.
۱۳. مرادیان، بهزاد - جلالی نسب، عبدالله و سوسنجان، اکبر (۱۴۰۲). واکاوی تهدیدهای سایبرتروریسم علیه امنیت ملی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی/ ارتش. ۲(۴): ۱۱۱-۱۳۱.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). نظام حقوق زن در اسلام، چاپ سی و چهارم، قم، انتشارات صدرا.
15. Arquilla, J., & Ronfeldt, D. (1996). Conceptual Outlines. *The Advent of netwar*. Santa Monica, CA: RAND Corporation, 277.
16. Buchanan, B. (2020). *The hacker and the state: Cyber-attacks and the new normal of geopolitics*. Harvard University Press.
17. Derakhshan, H., & Wardle, C. (2017). Information disorder: definitions. *AA. VV., Understanding and addressing the disinformation ecosystem*, 5-12.
18. Duran, J. (2021). Beauvoir on Existential Thought. *Philosophica: International Journal for the History of Philosophy*, 29(57), 69-81.
19. Ferrara, E. (2024). The butterfly effect in artificial intelligence systems: implications for AI bias and fairness. *Machine Learning with Applications*, 15, 100525.
20. Helbing, D. (2019). Towards Digital Enlightenment: Essays on the Dark and Light Sides of the Digital Revolution.
21. Kiely, K. M. (2014). Cognitive function. *Encyclopedia of quality of life and well-being research*, 974-978.
22. Kahneman, D. (2011). Thinking, fast and slow. *Farrar, Straus and Giroux*.
23. Mitnick, K. D. (2002). The Art of Deception. *Indiana: Wiley Publishing*.
24. Munoz, A. M. M., & Salido-Fernandez, J. (2024). Gender Biases in the Social Networks of Regional Public Media: The Case of @CsurNoticias' Twitter. *Revista Latina de Comunicacion Social*, 82, 46-61.
25. Muñoz Plaza, F., Sotelo Monge, M. A., & Gonzalez Ordi, H. (2023,



- August). Towards the Definition of Cognitive Warfare and Related Countermeasures: A Systematic Review. In *Proceedings of the 18th International Conference on Availability, Reliability and Security* (pp. 1-7).
26. O'neil, C. (2017). *Weapons of math destruction: How big data increases inequality and threatens democracy*. Crown.
27. Pitman, L. (2019). *The Trojan Horse in your head: cognitive threats and how to counter them* (Doctoral dissertation, Old Dominion University).
28. Singer, P. W., & Brooking, E. T. (2018). *LikeWar: The weaponization of social media*. Eamon Dolan Books.
29. Tversky, A., & Kahneman, D. (1973). Availability: A heuristic for judging frequency and probability. *Cognitive psychology*, 5(2), 207-232.
30. Tversky, A., & Kahneman, D. (1974). Judgment under Uncertainty: Heuristics and Biases: Biases in judgments reveal some heuristics of thinking under uncertainty. *science*, 185(4157), 1124-1131.
31. Zuboff, S. (2023). The age of surveillance capitalism. In *Social theory re-wired* (pp. 203-213). Routledge.